

اسلام و بزرگداشت زن

مؤلف:

محمد جميل زينو

مترجم:

محمدگل گمشادزهی

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

- 5... مقدمه مولف
- 7... زن از دیدگاه عرب دوران جاهلیت
- 10... زنده به گور کردن دختران در جاهلیت
- 11... بزرگداشت مقام زن در اسلام
- 13... سوره نساء
- سرپرستی مرد برای تنظیم خانواده است نه برای استبداد 22...
- 23... چرا مردان سرپرست زنان قرار داده شده اند
- سر به راه کردن زنی که از شوهرش سرپیچی می کند 25...
- 28... تجلیل اسلام از مقام مادر
- 30... حق زن و شوهر نسبت به یکدیگر
- از فوائد خطبه بزرگ (نکات برجسته خطبه حجة الوداع) 31...
- 33... حکمت آفرینش مرد و زن
- 36... چرا وظایف مرد با زن تفاوت دارد؟
- 39... حجاب زن مسلمان
- 40... شرایط حجاب
- 41... لباس مرد و زن
- 43... حجاب حافظ کرامت زن است
- 44... تعدد همسر
- 45... زن یا شمشیر دو لبه
- 48... فساد مردان و زنان

- 49... مسئولیت زن مسلمان
- 51... نتیجه کارهای زن بیرون از خانه
- 52... زن یکی از عوامل بیکاری در جوامع غربی
- 53... خطر اختلاط زن و مرد در مدارس
- 55... شرایط اشتغال زن مسلمان در بیرون از خانه
- 56... انتخاب همسر
- 58... آزادی زن در انتخاب شوهر
- 61... پیامبر» و اکرام دختران
- 62... قرآن و اکرام زنان
- 66... کرامت زن مسلمان
- 68... حرمت قتل زنان در جنگ
- 69... اسلام و حفظ نام نیک زن
- 71... وحی زن را کمک می‌کند
- 74... عمل به شیوه زنان نیکو
- 77... احکام اسلام برای مرد و زن
- 78... وصیت یک زن به دخترش هنگام عروسی
- 80... شرط ولی برای نکاح
- 84... وظیفه ولی نسبت به زن
- 87... خنساء این شیرزن مسلمان
- 88... زن در سرزمین‌های کفر
- 90... دختر جوان آمریکا ایی که تازه مسلمان شده است
- 92... هاجر به اسلام دعوت می‌دهد
- 94... خلیفه زن ناتوان را نجات می‌دهد
- 95... اهمیت تربیت زنان

اسلام و بزرگداشت زن

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه مولف

ان الحمد لله نحمده و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله
من شرور انفسنا و من سيئات اعمالنا من يهده الله فلا
مضل له و من يضلله فلا هادي له، و اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمد عبده و رسوله اما
بعد:

از آنجاییکه زن کار خیر تربیت اولاد را به عهده
دارد، از نظر اسلام به عنوان مربی نسل ها قرار داده
شده و اصلاح جامعه مرهون صلاح و درستکاری زن می باشد
زیرا فرزندان که افراد جامعه را تشکیل می دهند بدست
او تربیت می شوند و از میان افراد جامعه دولت اسلامی
شکل می گیرد انجام تمامی این امور مهم در گرو تربیت
صحیحی است که زن در مورد فرزندان خود بکار می برد.
برای بزرگداشت مقام زن در اسلام در قرآن مجید
سوره ای بنام «نساء» تخصیص داده شده است و این در
حالی است که سوره ای بنام مردان وجود ندارد و به
ویژه مادر در اسلام جایگاهی والا دارد و خداوند در
قرآن مجید بعد از عبادتش به نیکی نمودن در حق مادر
توصیه و تاکید کرده است.
خداوند می فرماید:

(وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه و بالوالدين احسانا)
{ P - الاسراء: 23 } (ای انسان) پروردگارت فرمان
داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر
نیکی کنید.»

و پیامبر « امانت تربیت فرزندان را به عهده مادر
نهاده است چنانکه فرموده:
(والمرأة راعية فى بيت زوجها و هى مسئولة عن
رعيتها)

{ P - متفق عليه } «و زن در خانه شوهرش شبان است و
از رعیت خویش مسئول است.»
برای آگاهی بیشتر به مقام والای زن و بزرگداشت آن
در اسلام کتاب حاضر تقدیم خوانندگان می گردد.
از خداوند می خواهم که خوانندگان این کتاب، از
مطالب آن نفع برده و خداوند این خدمت کوچک را خالص
برای خود بگرداند.

محمد جمیل زینو

زن از دیدگاه عرب دوران جاهلیت
زنان در دوران جاهلیت قبل از اسلام از بسیاری حقوق
انسانی و اجتماعی خود محروم بودند:

- 1- زن حق ارث بردن را نداشت و اعراب می گفتند: «از ما ارث نمی برد مگر کسی که شمشیر و اسلحه بر دوش می گیرد و از کیان و شرافت ما دفاع می کند.»
- 2- زن حقی بر شوهر نداشت، و تعداد طلاق معین نبود و نیز تعدد همسر حد و مرز مشخصی نداشت، و اگر مردی که دارای چند همسر بود وفات می نمود فرزند بزرگتر برای ازدواج با زنان پدرش از دیگران مستحق تر بود، و نامادری خود را چون بقیه اموال ارث بجا مانده از پدر می شمرد!
- از ابن عباس روایت شده است که فرمود: «هرگاه پدر کسی می مرد، او بیشتر از دیگران مستحق بود که نامادری خود را بدست گیرد، اگر می خواست آن را برای خود نگه می داشت یا اینکه او را زندانی می کرد تا اینکه از مهریه اش گذشت کند و یا آنقدر او را نگه می داشت که می مرد و مالش برای او باقی می ماند.
- 3- عدت زن در زمان جاهلیت يك سال کامل بود، و زنان به بدترین و زشت ترین حالت به سوگ شوهران از دست داده خود می نشستند، زن در مدت عدت بدترین لباسها را می پوشید و در بدترین خانه سکنی می گزید و آرایش و پاکیزگی و استعمال خوشبویی را ترك می کرد، آب به بدنش نمی زد و ناخنهایش را کوتاه نمی کرد و موهای اضافی بدنش را نمی گرفت و در میان مردم و اجتماع حاضر نمی شد و به این صورت تا پایان سال به سوگ می نشست و بعد از اینکه یکسال از مرگ شوهرش تمام می شد با زشت ترین قیافه و بویی زننده از خانه سوگ بیرون می آمد و به سوی مردم می رفت.
- 4- اعراب در دوران جاهلیت کنیزان خود را مجبور می کردند تا خود فروشی کنند و پول در بیاورند چنانکه قرآن اعراب تازه مسلمان را اینگونه مورد خطاب قرار داد:

(و لا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء ان اردن تحصنا لتبتغوا عرض الحیاة الدنیا)

{ P - نور: 33 } «کنیزان خود را که خواهان عفت و پاکدامنی هستند به زنا وادار نکنید تا بدینوسیله مال و دارائی دنیا را بدست آورید.»

- 5- در میان اعراب دوران جاهلیت انواعی از ازدواج فاسد رواج داشت که در میان بسیاری از قبایل شایع بود و تا کنون در بعضی جاهها رواج دارد از جمله:
- الف) گروهی از مردان با يك همسر همبستر می شدند و آن زن حق داشت فرزندی را که به دنیا می آورد به هریکی از آن مردان که می خواست نسبت دهد.

(ب) مرد از همسرش می‌خواست تا با فرد مشخصی از سران قوم و افرادی که به شجاعت معروف بودند همبستر شود تا فرزندی چون آن مرد در شجاعت به دنیا بیاورد.

(ج) نکاح موقت نیز یکی از انواع ازدواج‌هایی بود که آن زمان رواج داشت.

(د) نکاح شغار، یعنی اینکه مردی دختر یا خواهرش را به ازدواج مردی دیگر در می‌آورد بشرط اینکه او دختر یا خواهرش را به ازدواج او در بیاورد بدون اینکه هیچ یک از دو مهریه‌ای برای زن مقرر کنند زیرا آنها زن را ملك مرد می‌دانستند و مرد مختار بود همچنانکه هر تصرفی در دیگر اموالش انجام می‌داد با زن که جزو اموال بشمار می‌رفت هم انجام دهد.

هنوز هم در میان بعضی ملتها چون قاجار این سنت جاهلی رواج دارد!!

اما اعراب پیشرفته مانند قریش در آن زمان، نیز به همین منوال که امروزه مسلمین ازدواج می‌کنند ازدواج می‌کردند. آنها ابتدا از زن خواستگاری می‌کردند و مهریه‌اش مقرر می‌شد و عقد انجام می‌گرفت، اسلام فقط این نوع ازدواج را برقرار گذاشت اما بعضی از سنت‌های ظالمانه مانند اجبار زن به ازدواج با افرادی که نمی‌خواستند و یا جلوگیری از ازدواج و تصرف یا ندادن مهریه زن و غیره را باطل نمود. امیر المؤمنین عمر بن الخطاب² می‌گوید:

«ما در دوران جاهلیت قبل از اسلام، زنان را چیزی حساب نمی‌کردیم، اما وقتی اسلام آمد و خداوند حقوق زنان را در قرآن یاد آوری نمود ما پی بردیم که زنان بر گردن ما حق دارند»

{ P - بخاری؛ ملاحظه کنید کتاب المرأة بین تکریم الاسلام و اهانة الجاهلية P }

زننده به گور کردن دختران در جاهلیت اعراب در دوران جاهلیت دختران را ناپسند و بدشگون می‌دانستند و فرزندان دختر خود را از ترس عیب و عار زننده به گور می‌کردند، اسلام این عادت بد را نپذیرفت و قرآن به بدترین صورت این عمل آنها را به تصویر کشیده و در م ورد اعراب دوران جاهلیت چنین فرموده است:

(و اذا بشر احدكم بالانثى ظل وجهه مسودا و هو كظيم يتواری من القوم من سوء ما بشر به، ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الا ساء ما یحکمون)

{ P - نحل: 59 P } «و هنگامی که به یکی از آنها مژده تولد دختری داده می‌شد صورتش سیاه می‌گردید و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می‌شد. از قوم و قبیله (خود) به خاطر این مژده بدی که به او داده می‌شد خویشتن را

پنهان می‌کرد آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگاه دارد و یا او را در زیر خاک زنده به گور سازد؟ چه قضاوت بدی که می‌کردند!»
و خداوند بیشتر از این نیز این عمل زشت اعراب را تقبیح نموده و فرموده است:
(و اذا المؤدة سئلت بای ذب قتلت)
{ P - تکویر: P 9 } «و هنگامی که از دختر زنده بگور پرسیده شود، به سبب کدامین گناه کشته شده است؟»

بزرگداشت مقام زن در اسلام
اسلام، زن را نه همچون دوران جاهلیت موجودی زشت و بی‌ارزش می‌داند بلکه گامهای موثری برای رفع تبعیض و بالا بردن مقام زن برداشته است، اسلام همه آن حقوق انسانی و اجتماعی را که مرد از آن برخوردار است برای زن نیز مقرر کرده و همچنین بر اساس فطرت و ساختمان جسمانی و روحی و آنچه مناسب حال اوست وظایفی را برای زن در نظر گرفته است. از آنجایی که مرد دارای نیروی جسمانی و عقلی کاملتر است و به دلیل کنترل احساسات عاطفی و توانایی و مقاومت در برابر مشکلات و صبر بر سختیها اسلام مرد را مسئول امور زن قرار داده تا از زن دفاع کند و از دسترنج خود بر او انفاق و خرج نماید.
در مورد مسئولیت پذیری و انجام مسئولیت زن، با مرد برابر است و از دیدگاه اسلام زن می‌تواند به صورت مستقیم خرید و فروش و حق تملک و انجام دیگر معاملات را داشته و در سرنوشت اجتماعی خود مشارکت داشته باشد که این نیز یکی از مظاهر تجلیل زن در اسلام است.

خداوند در قرآن فرموده است که انسانها را از زن و مرد آفریده است و همه با هم برابرند و معیار برتری نزد خداوند، عمل صالح و تقوا است چنانکه فرموده است:

(یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر)
{ P - حجرات: P 13 } ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید بیگمان گرامی ترین شما نزد خداوند متقی ترین شما است. خداوند مسلما دانا و با خبر است.

و نیز از دیگر نشانه های بزرگداشت مقام زن در اسلام این است که آموختن علم و دانش را به زنان با اهمیت دانسته است. از ابی سعید خدری روایت شده: که زنان

به پیامبر» گفتند: «که مردان از ما بیشتر از محضر مبارک شما استفاده می‌کنند، یک روز را برای ما معین کنید که در آن روز به ما آموزش دهید». چنانکه رسول اکرم» روزی را مشخص نمود زنان در آن روز جمع می‌شدند و پیامبر» برای آنان سخنرانی می‌کرد و به آنها دستورات لازم را می‌داد یکی از مطالبی که پیامبر» به آنها می‌گفت این بود که فرمود: «هر زنی از شما سه کودک خود را از دست بدهد برای او حجابی خواهند بود که او را از آتش جهنم نجات می‌دهند» زنی گفت: «اگر کسی دو فرزند خود را از دست داده باشد» پیامبر» فرمود: «اگر دو تا باشند نیز چنین است» خداوند در {P - بخاری (101) باب هل يجعل للنساء يوم علی حدة فی العلم. P} قرآن مجید از زنان در کنار مردان اینگونه تعریف نموده است:

(ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهن و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظیما)

{P - الاحزاب: P 35} «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار خدا و زنان فرمانبردار خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداش بزرگی فراهم ساخته است.»

سوره نساء

خداوند در قرآن کریم سوره ای بنام سوره «نساء» یعنی سوره زنان نازل فرموده است در صورتی که سوره ای را بنام مردان (رجال) نامگذاری نکرده است و این دلیل روشن این امر است که زن در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار می‌باشد خداوند در سوره نساء به بیان امور مهمی پرداخته است که به زن و خانواده و حکومت و جامعه مربوط است و بیشترین بخش سوره نساء درباره حقوق زنان سخن می‌گوید، بدینجهت این سوره بنام سوره نساء نامیده شده است، اگر در مفهوم این سوره فکر کنیم، می‌بینیم که خداوند زن را بسیار اکرام نموده است.

1- خداوند نخستین زن را از پهلوی نخستین مرد آفرید و از آمیزش زن و مرد، زنان و مردان بسیاری آفرید و در دنیا منتشر کرد:

(یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساءً) { P - نساء آیه 1 P } ای مردمان از (نافرمانی) پروردگارتان بپرهیزید پروردگاری که شما را از ایک انسان بیافرید و همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت. این آیه قسمتی از خطبه حاجت است که رسول اکرم « سخنرانیهای خود را با آن آغاز می نمود و خطبه حاجت بسیار مهم است به ویژه برای دعوت گران دینی و سخنرانان (که در آن چگونگی خلق انسان از فرد واحد را بیان می کند).

2- حقوق دختران یتیم در اسلام:

(ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع، فان خفتم الا تعدلوا فواحدة أو ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا) { P - نساء: 3 P } و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید دادگری کنید، با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید به یک زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمایید این سبب می شود که کمتر دچار کجروی و ستم شوید.

عروة بن زبیر روایت کرده که از حضرت عایشه 2 در مورد (و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی) سوال نمودم عایشه گفت: خواهر زاده ام این آیه در مورد دختر یتیمی است که تحت پرورش و تکفل ولی (نامحرم) خود است، و مال و زیبایی دختر یتیم مورد پسند ولی اش واقع می گردد، بنابراین او می خواهد که با او ازدواج کند بدون اینکه در دادن مهریه انصاف را پیشه نماید بلکه می خواهد او را با مهریه ای ارزان به نکاح خود در بیاورد، بنابراین خداوند در این آیه اولیای یتیمان را نهی نموده از اینکه آنها را اجبارا نکاح کنند و بر آنها ظلم نمایند و دستور داده که در تعیین و پرداختن مهریه دختران یتیم، انصاف را پیشه کنند و نیز در این آیه دستور داده شده که آنها غیر از دختران یتیم هر زنانی را که می پسندند بروند و با آنها نکاح کنند.

عروة می گوید که عایشه فرمود: مردم بعد از نزول این آیه، در مورد دختران یتیم از پیامبر « بیشتر سؤال کردند، آنگاه خداوند این آیه را نازل کرد: (و

يستفتونك فى النساء) . عايشه آيه : (و ترغبون ان تنكوهن) را نیز چنین تفسیر نموده است:
«که شما وقتی که با دختر یتیمی که ثروت و زیبائی ندارد حاضر به ازدواج نیستید، همچنان نباید با دختر یتیمی به خاطر مال و زیبائی اش ازدواج کنید مگر اینکه بطور کامل انصاف را رعایت نموده و ظلمی بر یتیم روا ندارید.»

{ P - بخاری } مطلب دیگری را که خداوند متعال در سوره نساء برای حفظ حقوق زنان ذکر نموده این است که اگر فکر می کنید نمی توانید میان دو همسر برابری و مساوات و عدالت برقرار نمایید با بیشتر از يك زن ازدواج نکنید. چنانکه خداوند فرموده است:
(فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ايمانکم)
{ P - نساء : 3 } یعنی اگر شما ترس از آن داشتید که نمی توانید میان چند همسر مساوات برقرار کنید پس با زندگی با يك همسر اکتفا کنید.
3- زنان در اسلام از ارث سهمیه می برند:
خداوند فرموده است:

(للرجال نصيب مما ترك الوالدان و الاقربون و للنساء نصيبا مما ترك الوالدان و الاقربون مما قل منه او كثر نصيبا مفروضا)

{ P - نساء : 8 } برای مردان و برای زنان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بجای می گذارند سهمی است. خواه آن ترکه کم باشد خواه زیاد. سهم هر يك را خداوند مشخص و واجب گردانیده است.
در ایام جاهلیت قبل از اسلام فقط مردان ارث می بردند و زنان از ارث محروم بودند . اسلام به این قانون جاهلی خاتمه داده و برای زن نیز سهمی در ارث مقرر نمود.

{ P - متأسفانه امروز نیز در بعضی مناطق همان قانون جاهلی قریش در مورد ارث زنان اعمال می شود، یعنی فقط مردان و فرزندان پسر از میراث پدر بهره مند و زنان و دختران محروم می شوند. (مترجم) 4 { P - تفاوت میان سهم میراث مرد و سهم میراث زن:

(يوصيكم الله فى اولادکم للذكر مثل حظ الانثيين)

{ P - نساء : 11 } خداوند در باره فرزندانان به شما فرمان می دهد و بر شما واجب می گرداند که بهره يك مرد به اندازه بهره دو زن می باشد.

از آنجایی که مرد عهده دار تامین نفقه فرزندانش می باشد و نیز در هنگام ازدواج باید مهریه زن را بپردازد، خداوند سهم مرد از میراث را دوبرابر سهمیه زن قرار داده است.

از ابن عباس روایت شده است که : «(در دوران جاهلیت یا قبل از نزول سوره نساء) مال از آن فرزند بود و وصیت نامه به والدین تعلق می گرفت خداوند از این احکام چیزی را نسخ نموده و سهمیه مرد را دو بر ابر زن قرار داده و برای هر یک از پدر و مادر یک ششم و یک سوم مقرر نموده و سهمیه زن را از مال همسرش یک هشتم و یک چهارم قرار داد و برای شوهر نصف یک چهارم را معین کرد.» (بخاری)

5- تعهد پرداخت مهریه زن توسط مرد:

مهریه را باید شوهر به زن بپردازد . خداوند متعال فرموده :

(و آتوا النساء صدقاتهن نحلة فان طبن لكم عن شیء منه نفسا فكلوه هنئنا مریئا)

{ P - نساء : P 4 } و مهریه زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید، پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود بشما بخشیدند آن را حلال و گوارا مصرف کنید.

ابن عباس می گوید: نحله یعنی مهریه

خداوند به شوهران دستور داده تا با زنهای خود به خوبی زندگی کنند و فرموده است (وعاشروهن بالمعروف) { P - نساء P 191 } یعنی گفتار و کردارتان را بر حسب توان خود با زنان تان نیکو کنید همچنانکه شما انتظار دارید که همسرانتان با شما به نیکی رفتار کنند آنگونه که خداوند فرموده است:

(و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف)

{ P - بقره P 228 } و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران ادا بکنند) بگونه ای شایسته همانگونه که حق شوهران بر آنان واجب است.

و پیامبر « فرمودند: «بهترین شما بهتری نتان با همسرش است و من از همه شما با همسرانم بهتر رفتار می کنم» شیخ آلبنانی این حدیث را صحیح { P - ترمذی P } دانسته است.

شوهر موظف است با زنش به نیکی رفتار کند گرچه او مورد پسندش واقع نشود. خداوند متعال فرموده است: (فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا)

{ P - نساء P 19 } و اگر هم از آنها کراهت داشتید چه بسا که از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

یعنی امید است که اگر شما با وجود نپسندیدن

همسرانتان با آنها نیکی کنید خداوند آن زن را مایه خیر و برکت زیادی ب رای شما در دنیا و آخرت قرار

دهد. و پیامبر» فرموده است: (لا يفرك مؤمن مؤمنة ان
کره منها خلقا رضی منها آخر)

گرفتن مهریه از زن بعد از جدایی جایز نیست:
خداوند متعال فرموده:

(و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و ایتیم احداهن
قنطارا فلا تاخذوا منه شیئا اتاخذونه بهتاناً و اثماً
مبیناً)

{ P - نساء: 20 } و اگر خواستید همسری را بجای
همسری برگزینید. هرچند مال فراونی هم مهر یکی از
آنان کرده باشید برای شما درست نیست که چیزی از آن
مال را دریافت دارید آیا با بهتان و گناه آشکار، آن
را پس می‌گیرید؟

یعنی اگر کسی از شما قصد جدایی از همسرش را داشت و
می‌خواست همسرش را طلاق بدهد و با زنی دیگر ازدواج
نماید نباید مهریه ای را که به زنش داده از او پس
بگیرد گرچه مال هنگفتی هم باشد.
(و کیف تاخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن
منکم میثاقاً غلیظاً)

{ P - نساء: 21 } چگونه آنرا بازپس می‌گیرید و حال
آنکه با یکدیگر آمیزش داشته اید و هر یک بر عورت
دیگری اطلاع پیدا کرده است و زنان از شما پیمان
محکمی گرفته‌اند.

ابن عباس می‌گوید منظور از این، عقد میان زن و شوهر
است.

اگر زنی را می‌پسندید و می‌خواهید با او ادامه زندگی
بدهید به تعبیر قرآن با (امساک بمعروف) او را
نگهدارید و اگر او را نمی‌پسندید پس «تصریح به احسان
کنید، یعنی با پرداخت حق و حقوقی به خوبی او را از
خود جدا کنید.

پیامبر» در خطبه حجة الوداع فرموده: (استوصوا
بالنساء خیرا، فانکم اخذتموهن بأمانة الله و استحللتم
فروجهن لکلمة الله)

{ P - (رواه مسلم) } و نیز از مظاهر بزرگداشت و
تجلیل مقام زن در اسلام، حرام بودن نکاح محارم نسبی
و رضاعی است:

(حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم و عماتکم
و بنات الاخ و بنات الاخت و امهاتکم اللتی ارضعنکم و
اخواتکم من الرضاعة و امهات نساءکم، و ربائبکم
اللتی فی حجورکم من نساءکم اللتی دخلتم بهن فان لم
تکونوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم و حلال ابناکم
الذین من اصلابکم و ان تجمعوا بین الاختین الا ما قد
سلف ان الله کان غفورا رحیما)

{ P - نساء 33 P } «خداوند بر شما حرام نموده است ازدواج با مادرانتان، دخترانتان، خواهران تان، عمه هایتان، خاله هایتان، برادرزادگانتان، خواهرزادگانتان، مادرانی که به شما شیر داده اند، خواهران رضاعیتان، مادران همسرانتان، دختران همسرانتان (از مردان دیگر که تحت کفالت و رعایت شما پرورش یافته و با مادرانشان همبستر شده اید، ولی اگر با مادرانشان همبستر نشده اید گناهی بر شما نیست)، همسران پسران صلبی شما، و اینکه دو خواهر را جمع آورید، مگر آنچه گذشته است، بیگمان خداوند بسی بخشنده و آمرزنده است.»

حرام قرار دادن نکاح این افراد حکمت های بزرگ و اهداف بلندی که فطرت سالم آن را اقتضاء می کند در بر دارد، مثلاً فلسفه حرمت نکاح دو خواهر این است که اگر آندو همسر یک مرد باشند در میان خود دشمنی و رقابت می ورزند و با یکدیگر کینه می ورزند و نهایتاً به صله رحم لطمه وارد می شود.

سرپرستی مرد برای تنظیم خانواده است نه برای استبداد

پیامبر» فرمود: «تمام فرزندان آدم نگهبان و سرور هستند، مرد آقا و سرور خانواده اش می باشد و زن بانو و سرپرست خانه اش است.» آلبانی این حدیث را در صحیح جامع آورده است.

سرپرستی مرد بر زن طبق قاعده منظمی است که بافت جامعه آن را اقتضا می کند و نیز برای استقرار و آرامش در اوضاع خانوادگی و اجتماعی ضروری می باشد سرپرستی مرد بر زن چون سرپرستی رؤسای حکومت و مسئولین امر است که سرپرستی حکام از این جهت ضروری است که جامعه اسلامی و بشری آن را لازم دانسته و مسلمانان در صورت خروج و شورش علیه حاکم مسلمان گناهکار می شوند. گرچه در میان آنها کسانی باشند که از نظر علم و دیانت از حاکم برتر باشند. طبیعت مرد به گونه ای است که برای سرپرستی و قیم بودن شایسته تر است، زیرا مرد از نظر جسمی و روحی برای وارد شدن در معرکه زندگی و پذیرفتن مسئولیت از زن قوی تر است به همین سبب سازمانهای بزرگ اجتماعی را مردان اداره می کنند.

جنگها را مردان فرماندهی می کنند و نیز ریاست حکومت را مرد بر دوش می گیرد. و نیز می بینیم که در کارهای مهم و طاقت فرسا اغلب مردان موفق تر از زنانند و بندرت زنی یافته می شود که در کارهای دشوار کاملاً موفق باشد، مگر اینکه از پشتیبانی مردی برخوردار

باشد. سرپرستی مرد در امور خانواده هیچگونه آسیبی به حیثیت و جایگاه و وجود زن وارد نمی کند، و اینجاست که خداوند چنین تعبیر دقیقی برای بیان سرپرستی مرد انتخاب نموده که: (الرجال قوامون على النساء) و فرموده که «الرجال سادة النساء» مردان سردار زنانند، تا فهمیده شود که مسئولیت مرد ته یه نفقه و خرج زنان و دفاع از کیان زن است نه استبداد و سلطه گری.

به کتاب «المرأة بين تكريم الاسلام و اهانة الجاهلية» (صفحه 3) مراجعه شود.

چرا مردان سرپرست زنان قرار داده شده اند
خداوند متعال فرموده است:

(الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم، فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظه الله واللاتى تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن فى المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا)

{ P - نساء: P 34 } مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می کنند پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار بوده و اسرار را نگه دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید پند و اندرزشان دهید و از همبستری با آنان خودداری کنید و بستر خویش را جدا کنید، آنان را بزنیید پس اگر از شما اطاعت کردند راهی برای ایشان بجوید که بیگمان خداوند بلند مرتبه و بزرگ است. ابن کثیر در تفسیر این آیه گفته است: مرد رئیس، بزرگ و حاکم است و در صورت انحراف زن، مرد وی را ادب می کند چون مردان در بسیاری زمینه ها از زنان برتر هستند بنابراین است که خداوند نبوت و پیامبری را ویژه مردان قرار داده است:

پادشاهی نیز ویژه مردان است و پیامبر «فرموده است: (لن يفلح قوم ولّوا أمرهم امرأة) قومی که کارشان را به زنی سپردند که رهبر آنها شود { P - بخاری } هرگز موفق نخواهند شد.

همچنین پست قضاوت و غیره ویژه مردان است.

{ P - زیرا این مسئولیتها با فطرت زن و کار اساسی ای که او بر عهده دارد یعنی زاد و ولد و خانه داری و تربیت فرزندان و ساختن نسل مسلمانی که از دین و وطنش دفاع کند متضاد می باشند. } P و نیز خداوند متعال فرموده است: (و بما انفقوا من اموالهم)

یعنی از آنجا که مردان مهریه و مخارج زنان را می‌پردازند و دیگر مسئولیت‌های که خداوند در قرآن و سنت پیامبرش برای مردان معین نموده تا برای زنان انجام دهند می‌پردازند، حق سرپرستی با آنهاست. و چون مردان در بسیاری از زمینه‌ها برتراند، شایسته است که سرپرست و قیم باشند، آن گونه که خداوند متعال فرموده است: (وللرجال علیهن درجه) مردان را بر زنان { P - بقره: P 228 } (در برخی از موارد) برتری است.

سربه راه کردن زنی که از شوهرش سرپیچی می‌کند خداوند متعال فرموده است: (واللاتی تخافون نشوزهن فعظوهن) { P - نساء: P 34 } یعنی زنانی که شما می‌ترسید که از شوهر خود سرپیچی کنند. ناشزه و سرکش زنی است: که خود را از شوهر بالاتر می‌داند، یا دستورش را نمی‌پذیرد و از شوهر روی گردان و متنفر باشد هرگاه یکی از این حالت‌ها که نشانه نشوز و سرکشی زن هستند از او سرزند شوهر باید نخست به پند و اندرز متوسل شود و او را از عذاب الهی بترساند، زیرا خداوند حق شوهر و اطاعت از شوهر را برای زن واجب گردانیده و نافرمانی از شوهر را حرام قرار داده است. پیامبر» فرموده است: (لو کنت أمرا ان یسجدوا لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها) اگر کسی را دستور می‌دادم تا برای دیگری { P - بروایت ترمذی } سجده کند زن را دستور می‌دادم تا شوهرش را سجده کند.

و نیز پیامبر» فرموده است: (اذا دعا الرجل امراته الی فراشه فأبت علیه، لعنتها الملائكة حتی تصبح) { P - بخاری } و در حدیثی دیگر فرموده: (اذا باتت المرأة هاجرة فراش زوجها { P - نافرمانی زن از شوهر بویژه هنگامی که شوهر از زن بخواهد که با زنش نزدیکی کند و با او همخوابی کند این خطر را در پی خواهد داشت که شوهر به زنا مبتلا شود یا اینکه این عمل باعث شود که زن را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند. { P لعنتها الملائكة حتی تصبح) هرگاه زنی شب را جدا از بستر شوهرش سپری { P - مسلم } کند فرشتگان تا صبح او را لعنت می‌کنند. همچنین خداوند در مورد مرحله بعدی تأدیب می‌فرماید: (واهجرهن فی المضاجع) (بخاطر تأدیب آنها را در بسترهای خواب تنها بگذارید.)

ابن عباس می‌گوید منظور از هجرت و ترك این است که با زنی نزدیکی نکند اما در بسترش با او بخوابد پشت به او کرده و در مورد آمیزش، با همسرش چیزی نگوید.

در مرحله سوم خداوند در مورد تأدیب زن ناشزه فرموده است: (واضربوهن) یعنی اگر زنان با موعظه و ترك همخوابی اصلاح نشدند شما مردان می‌توانید آنها را تنبیه بدنی نمایید البته تنبیهی که چنان موثر نباشد که باعث نقض عضو بشود و از زدن به سر و صورتش نیز بپرهیزد. زیرا پیامبر « فرموده است: (و اذا ضرب احدكم فليجنب الوجه، فان الله خلق آدم على صورته (شيخ آلبنی؛ این حدیث را صحیح دانسته و در «الصحيحة» آن را ذکر کرده است.»

(اذا قاتل احدكم اخاه فليجنب الوجه) هرگاه کسی از شما با برادر { P - مسلم P } مسلمانش درگیر شد از زدن به چهره‌اش پرهیز نماید.

(اذا ضرب احدكم فليجنب الوجه، و لا تقل فلج الله وجهك، و وجهه من اشبه و جهك فان الله خلق آدم على صورته) هرگاه کسی از شما کسی { P - حسن رواه احمد P } را زد، از زدن بر چهره‌اش بپرهیزد و نگوید خداوند چهره‌ات را زشت نماید و چهره کسی را که چون توست زشت کند زیرا خداوند آدم را بر صورتش آفریده است. خداوند متعال فرموده است: (فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا)

یعنی اگر زن از شوهرش اطاعت کند شوهر حق تنبیه بدنی یا ترك گفتن زن را ندارد. (ان الله كان عليا كبيرا) (همانا خداوند بسیار بلند و بزرگ است.)

{ P - این آیه نیز دلیلی دیگر بر این است که خداوند بالای عرش خودش است همچنان آیات و احادیث صحیح دیگر نیز بر همین دلالت دارد. P } این آیه تهدیدی است برای مردان که اگر بدون دلیل بر زنان تعدی و ظلم کنند خداوند بالا و بزرگ است و انتقام آنها را از هر کسی که بر آنها ظلم کند خواهد گرفت.

تحکیم آشتی یا جدایی: خداوند متعال فرموده است: (و ان خفتن شقاق بينه ما فابعثوا حكما من اهله و حكما من اهلها ان يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان عليما خبيرا)

{ P - نساء: 35 } خداوند در آیات فوق مرحله بعدی اصلاح زن را بیان داشته است که اگر زن و شوهر از یکدیگر تنفر و بیزاری پیدا کردند در آنصورت افراد معتمد از خویشان و ندان زن و از معتمدان خویشان و ندان شوهر برای داوری جمع بشوند و در مورد اختلاف زن و شوهر چاره‌ای بیاندیشند.

یا آنها را با یکدیگر آشتی بدهند یا آنها را از هم جدا کنند، هر چه را که آنها مصلحت زن و شوهر

تشخیص می‌دهند، طلاق یا توافق، همان کار را بکنند (ان
یریدا اصلاحاً یوفق الله بینهما)
هر دو داور نگاه کنند اگر مقصر شوهر است زنش را از
او بگیرند و نفقه زن را بر گردنش لازم کنند و اگر
بدی و کوتاهی از طرف زن است او را نزد شوهرش باز
بگردانند. (نگاه کنید تفسیر ابن کثیر)
آنچه بیان گردید از نشانه‌های تجلیل مقام زن بود که
در سوره نساء بیان شده است.

تجلیل اسلام از مقام مادر
خداوند متعال فرموده است: (واعبدوا الله و لا تشركوا
به شیئا و بالوالدین احسانا) تنها خدا را عبادت
کنید و هیچ چیزی را شریک او {P - نساء: 36} مکنید
و با پدر و مادر خود نیکی کنید.
یعنی با پدر و مادر به نیکی و نرمی باید رفتار
کرد، و در پاسخ گفتن به آنها نباید درشتی نمود
نباید نگاه را به سوی آنها تیز کرد، نباید سر آنها
داد کشید بلکه چنان در مقابل آنها خود را پایین
بگیرید که غلام و نوکر در برابر مولایش خود را ضعیف و
ناتوان نشان می‌دهد.

همچنین خداوند متعال فرموده است:
(وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا
اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما
اف ولا تنهرهما و قل لهما قولا کریما و اخفض لهما
جناح الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما کما ربیانی
صغیرا)

{P - الاسراء 23-24} پروردگارت فرمان داده است که
جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه
یکی از آن دو و یا هر دوی ایشان نزد تو به سن پیری
برسند اُف به آنان مگو و بر ایشان داد مزن و با
سخنان محترمانه با آن دو سخن بگو و بال تواضع و
مهربانی را بر ایشان فرود آور و بگو: پروردگارا
ایشان را مرحمت بفرما همانگونه که آنان در کوچکی
مرا بزرگ نمودند.

خداوند در این دو آیه بندگان خود را به عبادت و
یگانه پرستی خود فرا خوانده است، و همراه با امر به
عبادت خود نیکی به پدر و مادر را ذکر کرده است، که
این خود بیانگر اهمیت اکرام به پدر و مادر است.
همچنین فرزند مجاز نیست سخن زجرآوری مانند کلمه
«اف» که کمترین مراتب سخن زشت را دارد به پدر و
مادر خود بگوید و نباید فرزندان بر پدر و مادر خویش
پرخاش کنند و سخن زشتی نسبت به پدر و ماد خود به
زبان بیاورند، بلکه والدین و به ویژه مادر خود را

با نرمی و مهربانی و سخنهاى نیکو مورد خطاب قرار دهند.

مردى نزد پیامبر « آمد و گفت : یا رسول الله من احق بحسن صحابتي؟ قال امك : قال ثم من؟ قال امك قال ثم من؟ قال امك قال ثم من؟ قال ابوك . چه كسى به خوشرفتارى من سزاوار است؟ فرمود : مادرت، گفت: { P - متفق عليه } پس از او چه كسى؟ گف ت: مادرت، گفت: باز کدام؟ گفت: مادرت، و پس از آن فرمود پدرت. می‌بینیم كه پیامبر « سه بار سفارش كرد كه با مادر نيكی كنید و این تجلیل و احترامی است كه مادر، در اسلام مستحق آن گردیده است.

حق زن و شوهر نسبت به يكديگر اسلام حقوقی را برای زن در نظر گرفته است و شوهر نیز حقوقی بر گردن زن دارد. پیامبر « در میدان عرفات در بزرگترین اجتماع مسلمانان در حجة الوداع هنگامی كه برای مردم سخنرانی می‌كرد حقوق زن و شوهر را بیان نمود و فرمود:

فاتقوا الله فى النساء فانكم اخذتموهن بامان الله، واستحللتم فروجهن بكلمة الله و لكم عليهن الا يوطئن فرشكم احدا تكرهونه فان ظن ذلك فاضربوهن غير مبرج (شدید) و عليكم رزقهن و كسوتهن بالمعروف. و قد تركت فيكم ما - لن تضلوا بعده - ان اعتصمتم به كتاب الله و انتم تسألون عني فقال بأصبعه السبابة يرفعها فى السماء و ينكتها (يميلها) الى الناس : اللهم اشهد (ثلاث مرات).

{ P - مسلم بروایت از جابر } «در مورد زنان از خدا بترسید شما آنان را به امان خدا گرفته اید و شرمگاه ایشان با كلمه خدا برایتان حلال شده است و حق شما بر آنها این است كه بر گلیم شما كسى را كه از او بدتان می‌آید نشانند، اگر چنین كردند آنها را بزنید اما نه زدن سختی. و حق آنها بر شما این است كه لباس و خوراكشان را به خوبی تهیه نمایید.

و در میانتان چیزی گذارده ام كه اگر بدان چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد و آن كتاب خداوند است و شما از من می‌پرسید سپس در حالی كه انگشتانش را بطرف آسمان بالا و سپس پایین می‌آورد فرمود : بار خدایا گواه باش (تا سه مرتبه).»

از فوائد خطبه بزرگ

(نكات برجسته خطبه حجة الوداع)

1- در این خطبه پیامبر « مردم را به رعایت حقوق زنان تشویق نمود و در مورد زنان و خوبی با آنها در

زندگی سفارش کرد، از آنحضرت احادیث زیادی نقل شده است که: و مرد را از کوتاهی نسبت به حقوق زن برحذر داشته است.

2- زن با ازدواج شرعی حلال می شود همانگونه که خداوند فرموده است:

(فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع) {P 13 - نساء:} «دو یا سه یا چهار زن از آنهایی که می‌پسندید نکاح کنید.»

3- برای زن جایز نیست کسی را در خانه راه بدهد که شوهرش از آمدن او ناراحت می شود، چه آن شخص مرد نامحرمی باشد یا زنی باشد یا یکی از افراد محرم زن باشد (نووی)

4- شوهر می‌تواند تأدیباً زنش را تنبیه نماید ولی نه با شدت و از زدن به چهره و یا زشت کردن چهره پرهی ز نماید زیرا چهره بدست خداوند آفریده شده است و نیز ممکن است چشم و گوش آسیب ببینند.

5- همچنین از این خطبه (چنین) مستفاد می‌شود که همه حاضران به رسالت پیامبر و اتمام تبلیغ آن گواهی دادند.

6- و اشاره پیامبر « با انگشتش بطرف آسمان جهت گواه گرفتن خداوند بر تبل یغ رسالت، دلیل روشنی است بر علو و بالا بودن خداوند بر عرش.

آیات و احادیث زیادی است که به صراحت ثابت می‌نمایند که خداوند بر بالای عرش می باشد که بر اساس آن ائمه چهارگانه (ابوحنیفه، شافعی، احمد بن حنبل، مالک) و دیگر علمای سلف نیز چنین نظر و عقیده ای دارند. اشتباه بزرگی است که بعضی از مردم می گویند خداوند در همه جا است چون بعضی جاها آلوده و کثیف هستند امکان ندارد که حضور ذاتی خداوند را در همه جا تصور نمود.

اما اینکه بگوییم خداوند با علم خودش در هر کجا با ماست و در هر جا ما را می بیند و سخنان ما را می‌شنود، درست است چون خداوند به موسی و هارون فرمود: (انی معکم اسمع و اری) (من با شما هستم می‌بینم و {P 46 - طه:} می‌شنوم).

حکمت آفرینش مرد و زن

خداوند خلایق را (انسانها و جنها) را برای هدف بزرگ عبادت آفریده است تا اینکه او را یگانه دانسته و فقط او را بپرستند.

(و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون) (من پریها و انسانها را جز {P 56 - ذاریات:} برای پرستش خود نیافریده ام.)

خداوند انسانها را آفریده است و هر یکی را با ویژگی‌های خاصی از دیگری جدا کرده است، توان و تحمل و نیروی مرد با زن متفاوت است؛ بنابراین وظیفه هر يك مناسب با فطرت و طبیعت اوست و خداوند بر حسب علم و درایت خویش هر يك از زن و مرد را وظیفه ای مناسب حال او داده است: (الا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير) (مگر کسی که می آفریند { P - ملك: 14 } نمی‌داند، و حال اینکه او دقیق و باریک بین و بس آگاه است؟!)

وظیفه مرد بدست آوردن روزی و تلاش برای امرار معاش و تهیه مخارج خانواده و همسر است. و این کاری است که زن بخوبی از عهده آن بر نمی آید و وظیفه زن این است که در داخل خانه با خدمت و رفتار خویش اسباب آرامش را برای شوهر برگشته از کار و زحمت، خویش فراهم نماید. خداوند متعال فرموده است:

(و من آیاته ان خلق لك من انفسكم ازوجا لتسكنوا اليها و جعل بينكم مودة و رحمة إن في ذلك لآيت لقوم يعلمون)

{ P - روم: 21 } و یکی از نشانه های قدرت خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت، مسلما در این نشانه ها دلائلی است برای افرادی که می‌اندیشند.

یکی از وظایف زن به دنیا آوردن فرزند است و باید فرزندان را به خوبی تربیت کند زیرا مرد بیشتر بیرون از خانه به سر می‌برد.

بعضی از کارها هستند که مرد به خوبی نمی تواند از عهده آنها برآید مانند شستشو و آشپزی و نیز کارهایی که انجام دادن آن برای مرد امکان پذیر نیست. مانند بچه دار شدن و شیر دادن به بچه. در يك مثال ساده زن و شوهر را می‌توان به شب و روز تشبیه داد است که هر يك جای خود را دارد و هر کدام نقش و وظیفه خودش را انجام می دهد، روز برای کار و تلاش و فعالیت و روشنایی و تهیه مخارج زندگی است، اما شب برای آرامش و خواب و استراحت است. پس شوهر به روز تشبیه داده شد و زن به شب. بنابراین مرد و زن هر يك نقشی جداگانه در زندگی دارد و هیچ يك نباید تلاش کند که به جای دیگری فعالیت نماید و اگر زن بخواهد نقش مرد را در زندگی بازی کند نتیجه برعکس خواهد شد و پیامدهای منفی برای فرزندان و خودشان و جامعه خواهد داشت. همانطور که برای مرد نیز ممکن نیست مشاغل زن را به عهده گیرد.

زیرا در آنصورت مرد و زن برعکس فطرت خود حرکت کرده‌اند و { P - نگاه کنید به کتاب المرأة فی الاسلام از شیخ فیصل مولوی P } خداوند فرموده است: (فطرة الله الذي فطر الناس عليها، لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اكثر الناس لا يعلمون) { P - روم: 30 } (این سرشته است که خداوند مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت خدا را تغییر داد، این است دین و آئین محکم و استوار، ولیکن اکثر مردم نمی‌دانند.)

چرا وظایف مرد با زن تفاوت دارد؟
به علت اختلاف بودن وظایف مرد و زن، در برخی از احکام شرع نیز هر يك از آنها حکم جداگانه‌ای دارد.
1) گواهی دادن: اسلام برای گواهی دادن وجود دو مرد را شرط قرار داده است اگر دو مرد نباشند آنگاه گواهی يك مرد و دو زن قبول است، همانگونه که خداوند در قرآن فرموده است:
(فرجل وامرأتان ممن ترضون من الشهداء) (و اگر دو مرد نبود { P - بقره: 282 } يك مرد و دو زن از میان کسانی گواه بگیرید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند.)

اسلام گواهی زن را در مقابل يك مرد با توجه به فطرت زن قرار داده است که معمولا زن به امور و جرائم و خرید و فروش و دیون و غیره کمتر اهمیت می‌دهد. زیرا زن به سبب مشغول بودن به تربیت فرزندان و امور خانه داری و نیز شیر دادن بچه و یا مریضی قاعدگی و ی نفاس سخت فراموش‌کار است. بنابراین اگر دو زن باشند یکدیگر را یادآوری می‌کنند و اینگونه حق بهتر ثابت می‌شود و بر کسی ظمی نمی‌شود. خداوند فرموده است: (ان تضل احدهما فتذكر احدهما الاخرى) (تا اگر یکی (در امر گواهی دادن) { P - بقره: 282 } انحرافی پیدا کرد دیگر بدو یادآوری خواهد کرد.)

اسلام گواهی زن را پذیرفته است و آن را کاملاً رد نکرده بلکه لازم قرار داده است که در شهادت دو تا زن باشند که یکدیگر را در صورتی که فراموش کنند تذکر دهند تا مبادا حقی ضایع شود و یا بر کسی ظمی صورت بگیرد.

2- میراث: (للذكر مثل حظ الانثيين) (بهره يك مرد به اندازه بهره { P - نساء: 11 } دو زن است.)
خداوند سهمیه مرد را از ارث دو برابر سهمیه زن قرار داده است نه بخاطر اینکه حق زن را ضایع کند بلکه برای حفظ حقوق زن چنین کرده است زیرا مرد مؤظف

است مخارج زن را تهیه نماید و مهریه اش را بپردازد و در صورت عدت، نفقه زن بر شوهر لازم است. با توجه به اینست که خداوند سهمیه مرد را دو برابر قرار داده است، و در این حکم هیچ نوع توهینی به زن و یا تضييع حقی نشده است.

3- تفاوت ديه: اسلام ديه مرد را دو برابر ديه زن مقرر نموده چون اگر مقتول مرد باشد خانوا ده اش مردی را از دست داده اند که مخارج آنها راتامین می کرده است اما اگر مقتول زن باشد خانواده اش فردی را از دست داده اند که موظف به تهیه مخارج نبوده است بنابر این اختلاف ديه بر حسب اختلاف وظیفه زن و مرد است.

4- ریاست، حکومت و امارت: از ویژگی های رئیس حکومت در اسلام این است که بتواند در نماز امامت کند و در جنگ لشکر را فرماندهی نماید و زن بر حسب فطرتش که عاطفه و دلسوزی بر او غالب است و به خاطر ضعف جسمی توان چنین کاری را ندارد. زیرا مدت ها حامله می شود و دیگر حالات مخصوص دارد مانند بیماری ماهانه و غیره که از انجام وظایف فوق عاجز می ماند.

5- طلاق: از آنجا که مرد به زن مهریه می دهد و در مدت عدت نفقه اش را می پردازد و به خاطر اینکه عقلش کاملتر و تحملش بیشتر است و در صورت بروز مشکل و ناراحتی، صبورتر است هیچگاه به خاطر ناراحتی معمولی اقدام به طلاق زنش نمی کند. و اگر همچنانکه طلاق در اختیار مرد است بدست زن هم می بود آمار طلاق چندین برابر افزایش می یافت. همچنانکه در کشورهای غربی این چنین است. بنابر این اسلام تنها طلاق را به اختیار مرد گذاشته است.

{ P - کتاب فقه السنة سید سابق P } به نظر من طلاق در حقیقت نعمتی از جانب خدا است که به زن مسلمان ارزانی شده زیرا طلاق زن را از زندگی رنجبار و از دست شوهر ظالم که انصاف ندارد یا احکام اسلام را بجای نمی آورد نجات می دهد. همچنین اگر زن و شوهر با هم اختلاف داشته باشند یا مشکلات دیگری بر سر راه زندگی آنها وجود داشته باشد، راهی جز جدایی ندارند طلاق در چنین مواقعی مشکل را حل می کند و اسلام طلاق را چند مرحله قرار داده است که خداوند متعال آنرا چنین بیان داشته است:

(الطلاق مرتان فامساك بمعروف او تسريح باحسان)

{ P - بقره: 229 } (طلاق) (رجعی) دو بار است (و بعد از آن) یا نگهداری بگونه ای شایسته و یا رها کردن.) بعد از طلاق اول، شوهر حق دارد که به زنش مراجعه کند و به سوی او برگردد و همچنین بعد از طلاق دوم اما بعد از طلاق سوم زن برای آن مرد حرام می شود تا

زمانی که با شوهر دیگری ازدواج کند و آن شوهر او را طلاق دهد آن وقت شوهر اولی می تواند بار دوم با عقد جدید آن زن را نکاح کند.

حجاب زن مسلمان

خداوند متعال فرموده است:

(یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلك ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما)

{ P - الاحزاب: P 59 } ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مومنان بگو که چادرهای خود را جمع و جور بر خویش افکنند تا اینکه باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت قرار نگیرند.

قرآن دستور داده که زن سرش را باید بپوشاند:

(ولیضربن بخرهن علی جیوبهن و لا یبدین زینتهن)

{ P - نور: P 31 } (چارقد و روسری‌های خود را بر یقه‌ها و گریبان‌شان آویزان کنند و زینت خود را نمودار نسازند.)

زنان در دوران جاهلیت روسری خود را به پشت می‌انداختند و گردن و سینه و گوشه‌هایشان با گوشواره‌ها نمایان بود، خداوند از این کارها نهی کرد و به زنان مؤمن دستور داد که خود را بپوشانند.

شرایط حجاب

1- حجاب باید تمام بدن زن حتی صورتش را بپوشاند.

2- لباس و حجاب نباید چندان تنگ باشد که پستانها یا دیگر قسمت‌های بدن برجسته و نمایان شوند.

3- لباس زن نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن نمایان شود.

4- لباس زن نباید با لباس زنهای کافر شبیه باشد زیرا پیامبر «فرموده است: (من تشبه بقوم فهو منهم)

{ P - به روایت ابو داود شیخ آل‌بانی این حدیث را صحیح قرار داده است . } 5 - P زن نباید لباس مردانه بپوشد زیرا در احادیث، زنان از پوشیدن لباس مردانه نهی شده‌اند.

6- لباس زن نباید درخشنده و رنگارنگ باشد که توجه مردان را به خود جلب نماید بهتر است که لباس سیاه متین بپوشند.

لباس مرد و زن

پیامبر «فرموده است: (من جر ثوبه خیلاء لم ینظر الله الیه یوم القیامة. فقالت ام سلمة: فکیف یصنع النساء بذیولهن؟ قال یرخین شبرا. قالت: اذن تنکشف اقدامهن،

قال: یرخین ذراعا، ثم لا یزدن) (هرکسی از روی تکبر { P - رواه الترمذی و قال حسن صحیح P } لباسش را پائین کند که به زمین بخورد خداوند در روز قیامت به او نگاه نمی‌کند. ام سلمه گفت زنان دامنه‌های خود را چکار کنند؟ فرمود يك وجب پائین کنند. ام سلمه گفت اگر چنین کنند قدمهایشان ظاهر می‌شود فرمود: يك گز پائین کنند و بیشتر از آن نکنند.

آنچه از حدیث استنباط می‌شود:

1- لباس زن باید گشاد و دراز باشد طوری که قدمهایش را بپوشاند بر عکس مردان که پیامبر « به آنها دستور داد تا شلوارشان را تا نصف ساق پا بالا بیاورند و شلوارشان نباید از شتالنگ پائین تر باشد زیرا پیامبر» فرموده است: (ما اسفل من الکعبین من الازار ففی النار) (هر کسیکه شلوارش از { P - بخاری P } شتالنگ پایین‌تر باشد، همان قسمت پایش را آتش دوزخ فرا خواهد گرفت.)

در زمان حاضر وضعیت لباس پوشیدن مرد و زن برعکس شده، مردان پاچه‌های شلوار خود را زیر پا می‌گذارند و خود را با این کار مستحق آتش جهنم می‌کنند و زنان پاچه‌های شلوار را بالای شتالنگ قرار می‌دهند و با این عمل، خود را از بهشت محروم می‌کنند همانگونه که پیامبر» فرموده است: (و نساء کاسیات عاریات، مملیات مائلات، رؤسهن کاسنمة البخت المائلة لا یدخلن الجنة و لا یجدن ریحها و ان ریحها لیوجد من مسافة کذا و کذا) { P - مسلم P } و زنانی که لباس پوشیده اند اما عریان هستند هنگام راه رفتن خود را کج و راست می‌نمایند سرهایشان به کوهان شتر می‌ماند ایشان هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند و بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد در حالی که بوی بهشت از مسافتهای آنچنانی احساس می‌شود.

یعنی زنی که ساق پای خود را عریان کند یا قسمتی از بدنش عریان باشد و یا لباسهای نازک و شفاف بپوشد و یا در راه رفتن، خود را کج کند و موهایش چون کوهان شتر پشت گردنش بسته باشند به بهشت وارد نمی‌شود تا زمانی که سزای این اعمال خود را در جهنم نبیند.

2- وقتی که ظاهر کردن قدم زن جایز نیست ظاهر کردن چهره بطریق اولی جایز نخواهد بود، زیرا زن با چهره شناخته می‌شود و بیشتر چهره به فتنه مبتلا می‌کند بی‌حجابی زن، تقلید از کفار و بیگانگان و تشبه با آنهاست و در حدیث آمده: «من تشبه بقوم فهو منهم» { P - ابوداود P } مسلمین از کفار در اختراعات مفید مانند ساختن تانک و هواپیما و دیگر چیزهایی که برای امت اسلامی سودمند خواهد بود تقلید نمی‌کنند و فقط در

چیزهایی تقلید می‌کنند که به ضررشان است همانگونه که شاعر گفته است:

قلدو الغربی لکن بالفجور
و عن اللب استعاروا بالقشور
از غربیها فقط در فساد تقلید کردند
مغز را گذاشته و پوست را گرفتند

3- و نیز از احادیث پیامبر « پوشاندن چهره زن ثابت می‌شود که فرمود: (لا تنتقب المرأة المحرمة و لا تلبس القفازین) (زن محرم که در حالت { P - بخاری P } احرام است روپوش و دستکش نپوشد.)

یعنی زنی که در احرام نیست با روپوش چهره اش را بپوشاند و با دستکش دستهایش را بپوشاند.

حجاب حافظ کرامت زن است

اسلام برای حفاظت زن از انسانهای شرور و از نگاه افراد نامحرم و در امان بودن جامعه از آفات بی‌حجابی، حجاب را برای زن فرض گردانیده است.

2- حجاب دوستی و همدلی زن و شوهر را بیشتر می‌کند، زیرا اگر حجاب نباشد هنگامی که مرد زنی را ببیند که از زنش زیباتر است روابط زن و شوهر با همدیگر خراب می‌شود و بسا اوقات به جدایی و طلاق منجر می‌شود و سبب جدایی همان زن بی‌حجابی است که شوهر آن زن را شیفته خود کرده و شوهر آن زن همواره عشق آن زن بی‌حجاب را در سر می‌پروراند.

3- از دیدگاه اسلام زن مسلمان چون گوهر گرانبهایی است که صاحب آن همواره تلاش می‌نماید آن را از معرض دید مردم مخفی نگاه دارد.

4- یکی از خاور شناسان بنام خانم «فرانسوا زاگاجان» می‌گوید: «ای زن شرقی! هوشیار باش، کسانی که تو را صدا می‌زنند و از تو می‌خواهند که پوشش و حجابت را بیرون بیاوری و منادی برابری با مرد هستند، می‌خواهند تو را مسخره کنند همچنانکه قبل از تو ما را مسخره کردند.»

5- «فون هرمر» می‌گوید: حجاب وسیله ای است که کرامت و شرافت زن حفظ می‌شود و از چنان احترام و جایگاه بزرگی برخوردار خواهد شد که مورد رشک همگان قرار می‌گیرد.

تعدد همسر

1- اسلام که تعدد همسر و زندگی با چند زن را مباح دانسته، قبل از اینکه مصلحت مردان را در نظر بگیرد مصلحت زنان را در نظر گرفته است، زیرا با تعدد همسر بسیاری از دختران و بیوه های در خانه شوهران خود

خوشبخت زندگی خواهند کرد و اگر ازدواج با بیش از يك زن جایز نمی‌بود این زنان و دختران فقیر و مستمند در خانه برادر و یا فرزند و غیره زندگی بسر کرده و روی دست می‌ماندند.

2- دشمنان اسلام تلاش می‌کنند با دعوت به اینکه نباید با بیش از يك زن ازدواج نمود تعداد جمعیت مسلمانان کاهش یابد و بدینوسیله بتوانند بر مسلمین چیره شوند. و نیز بسیاری از زنان بر اثر ازدواج نکردن به فتنه و فساد و زنا مبتلا می‌شوند. زیرا طبق سرشماری که انجام گرفته در سطح جهان زنان بیشتر از مردان هستند به ویژه وقتی مردان بر اثر جنگها کشته می‌شوند. به همین دلیل بود که بعد از جنگ جهانی اول، زنان در آلمان تظاهرات کردند و خواستار ازدواج يك مرد با چند زن شدند.

3- تعدد ازدواج و نکاح با بیش از يك زن موافق با شرایط این زمان است زیرا تعداد جمعیت هر ملتی به اهمیت آن در جهان می‌افزاید و هر چند تعداد افرادش بیشتر باشد قدرتش بیشتر می‌گردد و نیز جنگهای فلسطین و عراق و بوسنی و هرزگوین و کشمیر و افغانستان باعث گردیده که تعداد مردان کم شود زیرا بسیاری از مردان در این جنگها کشته شدند و بر اثر این جنگها زنان بسیاری بیوه شده‌اند که شوهرانشان را از دست داده‌اند بنابراین اسلام، از مسلمین می‌خواهد که اینها را نگذارند که از گرسنگی به فتنه و فساد مبتلا روی بیاورند بلکه با بیش از يك زن ازدواج نمایند تا مشکل رفع گردد.

زن یا شمشیر دو لبه

1- دشمنان اسلام در هر زم آن تلاش کرده‌اند که به هر وسیله ممکن مسلمین را با احکام دین اسلام بیگانه کنند، یکی از مهمترین وسیله هایی که دشمن برای بیگانه ساختن مسلمین از دینشان بکار گرفته استفاده ابزاری از زن بوده است. زیرا نیمی از جمعیت مسلمین را زنان تشکیل می‌دهند و از طرفی زنان، مادر فرزندان و مردان مسلمان هستند که آنها را تربیت می‌کنند، بنابراین اگر زن صالح و نیکو باشد جامعه درست خواهد بود و اگر زن نادرست و فاسد گردد جامعه را نیز فساد در بر خواهد گرفت در نهایت جامعه فرو خواهد پاشید اینجاست می‌بینیم که دشمنان اسلام تمام تلاشهای خود را بوسیله رسانه های جمعی؛ تلویزیون، ویدیو، آنتن های ماهواره ای، تهیه و توزیع فیلمهای غیر اخلاقی برای به فساد کشاندن زن صرف می‌نمایند.

2- شیاطین غربی به کمک شیاطین دست نشانده شرقی خود توانسته‌اند برخی از زنان مسلمان را بوسیله تبلیغات فرهنگی به انحراف بکشند، و آنها را از رعایت حجاب و عفت و شرافت عاری کردند و به میدانهای کار کشانیدند و از او وسیله ای تبلیغاتی برای رونق بازارهایشان ساختند. که در نتیجه فاسد شدن زن مسلمان، خانواده و جامعه نیز دچار انحراف اخلاقی گردید و نصرت و امداد الهی از امت اسلامی برداشته شد و خشم و نارضایتی خداوند بر آنها وارد گردید. و بعد از اینکه ما مسلمانها سر افرازشترین ملتها بودیم، اکنون ذلیلترین ملت هستیم و چه زیبا گفته است امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب: «ما ملتی هستیم که خداوند ما را بوسیله اسلام عزت بخشید و اگر ما عزت و سر افرازی را در دیگر چیزها جستجو کنیم خداوند ما را ذلیل خواهد کرد.»

3- فراموش نکنیم که در گذشته نیز (و تاریخ و تمدن‌ها و ملل گذشته نشان می‌دهد) انحراف زن یا منحرف شدن بوسیله زنان مهمترین اسباب فروپاشی و تکه پاره شدن تمدن‌های قدیم بوده است، و بر اثر فساد زن در جامعه، عذابهای الهی و امراض مهلك به سراغ آن ملتها آمده است، همچنانکه یونان و روم و فارس و هندو و بابل و غیره در قدیم بدان مبتلا شده‌اند.

{ P - به کتاب حجاب سید ابوالاعلی مودودی صفحه 36 - 8 مراجعه شود 4 {P- چنانکه می‌بینیم و می‌شنویم که همواره سیل‌های خروشان غضب الهی یکی از شهرهای ایتالیا را که به فساد و روسپیگری معروف است تهدید { P - شهر ونیز در ایتالیا {P می‌کند. همچنین خشم و غضب الهی بصورت زلزله و عذاب های دیگر و جنگهای فلاکت‌بار و خونین دامنگیر کشورهای اسلامی نیز شده است و تا ما به خدا روی نیاوریم و زنان امت توبه و استغفار نمایند این عذابها همچنان ادامه خواهند داشت.

5- زن دارای استعداد خوبی است و اگر وظیفه اش را که تربیت فرزندان جامعه است به خوبی انجام دهد، این شایستگی را دارد که امتی را بسازد. و برعکس اگر اخلاقش فاسد گردد و وظیفه‌هایی را که بر عهده دارد رها کند می‌تواند امتی را از بین ببرد. پیامبر» فرموده است: (ان الدنيا حلوة خضرة، و ان الله مستخلفكم فيها، فينظر كيف تعملون، فاتقوا الدنيا واتقوا النساء فان اول فتنة بني اسرائيل كانت في النساء) همانا دنیا سرسبز و { P - مسلم {P شیرین است و خداوند شما را بر آن خلیفه گردانده تا ببینید که چگونه رفتار می‌کنید، پس پرهیزید از دنیا و

بپرهیزید از زنان زیرا اولین فتنه‌های که بنی اسرائیل بدان مبتلا شدند زنان بودند.

و نیز فرموده: (ما ترکت من فتنه بعدی فی الناس اضر علی الرجال من النساء) بعد از درگذشت من خطرناکترین فتنه‌ای که برای مردان از همه { P - بخاری } چیزمضرتر است زنان می‌باشند.

6- می‌توان گفت که زن خوب، يك امت است زیرا نیمی از جمعیت مردم را زن تشکیل می‌دهد و نیمی دیگر را نیز او به دنیا می‌آورد و تربیت می‌نماید.

فساد مردان و زنان

دشمنان اسلام برای به فساد کشاندن زن از روش‌ها و راه‌های متعدد و بی‌شماری استفاده کرده‌اند و هدف همه این توطئه‌ها و نقشه‌های از پیش طراحی شده به انحراف کشاندن زن مسلمان و جدا کردن وی از دین و اخلاق و عفت است.

لباسها و مدهای نیمه عریان یکی از این وسیله‌های مهلك است، دشمنان خوب می‌دانند که زنان به پوشیدن پیراهن کوتاه که بدن در آن نیمه عریان شود علاقه دارند...

و نیز آنها می‌دانند که زنان به انواع وسایل آرایش علاقه‌مندند تا با ظاهر شدن در کارگاهها، کارخانه‌ها و مراکز تجاری به راحتی مردان را به فتنه مبتلا کند. زن هنگامی که سر کارش می‌رود طبق عرف روز انواع لباسهای جذاب و مدل‌های مختلف را می‌پوشد و نیز موهایش را به نمونه‌های مختلفی در آورده و شانه می‌زند و دیگر آرایشها را برای زیبا جلوه دادن خود انجام می‌دهد.

خلاصه اینکه حقوق ماهیانه اش صرف می‌شود تا او بتواند با قیافه‌ای زیبا و جذاب ظاهر شود. در ضمن اینکه بیشتر لباسها و وسایل آرایشی از کشورهای بیگانه و دوستانه‌ان صهیونیسم وارد کشورهای اسلامی می‌شود. با این چیزها سرمایه مسلمین را از دستشان خارج می‌کنند که در اثر آن هم ضرر مالی می‌کنند و هم دچار خسارتهای اخلاقی می‌شوند و بسیاری از زنان مسلمان با استفاده از لباسهای بیگانگان خود را مانند کفار و شبیه آنان در می‌آورند و پیامبر» فرموده است:

(لترکبن سنن من قبلکم شبرا بشبر و ذراعا بذراع حتی لو أن احدهم دخل حجر ضب لدخلتم و حتی لو أن احدهم جامع امراته بالطریق لفعلموه)

{ P - صحیح الجامع البانی رحمة الله علیه این حدیث را صحیح دانسته و در سلسله احادیث صحیح ذکر کرده است. } شما از شیوه زندگی امت‌های گذشته و جب به جب و گز

به گز پیروی خواهید کرد حتی اگر یکی از آنها در سوراخ سوسماری داخل شده شما هم داخل خواهید شد و حتی اگر کسی از آنها با زنش سر راه آمیزش کرده شم ا هم چنان خواهی کرد.

و نیز فرمود: (ما تركت فتنة بعدى اضر على الرجال من النساء) بعد {P - متفق عليه P} از درگذشت من زنان خطرناکترین فتنه برای مردان خواهند بود. مسئولیت زن مسلمان

1) اسلام به زن کرامت بخشیده و کار بسیار مهمی را در خانه اش به عهده زن گذاشته است. آن کار بزرگ، تربیت فرزندان است، چه می دانی؟ شاید کودکی را که مادر تربیت می کند آینده درخشان و بزرگی خواهد داشت، شاید این کودک در آینده ریاست حکومت یا فرماندهی ارتش را بدست بگیرد یا هر کار بزرگی که قوام جامعه به آن مرتبط است انجام دهد، اینجاست که ی کی از دانشمندان گفته است: زنی که با دستانش گهواره کودکی را تکان می دهد، در واقع کره زمین را می جنباند. و شاعر چه زیبا سروده است:

الام مدرسة اذا اعدتها
اعدت شعبا طيب الاعراق

یعنی: مادر مدرسه ای است که با ساختن آن می توانی نسل دارای ریشه پاکی را تربیت نمایی.

زن اگر در خانه اش فرزندان خود را خوب تربیت کند کار بسیار بزرگی انجام داده است کاری که وظیفه و شغل فطری زن می باشد و او به آن علاقه مند است و آنرا دوست دارد.

2- خانه داری: یکی از مسئولیتهای مهم زن خانه داری است او فضای داخل خانه را برای خود، فرزندان و شوهرش تبدیل به بهشتی می سازد که همه در آن احساس آرامش کنند، مسئول تهیه مخارج و دیگر نیازهای منزل و همسرش می باشد.

پس مرد مسئول زنش می باشد و زن مسئول خانه است و هر يك از آنها طبق ویژگی های فطری خود از وظیفه محول شده خود مسئول است.

پیامبر» فرموده: (كلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة فالام راع و هی مسئولة عن رعیتة و الرجل راع فی اهله و هو مسئول عن رعیتة والمرأة راعیة فی بیت زوجها و هی مسئولة عن رعیتها) همه تان شبانید و هم از {P - متفق عليه P} زیر دستان خود مسئول هستید مادر شبان است و از زیر دست خود مسئول است و مرد در خانه اش شبان است و از زیر دست خود مسئول می باشد و زن در خانه شوهرش مسئول است و از آن پرسیده خواهد شد.

نتیجه کارهای زن بیرون از خانه
کار کردن زن بیرون از خانه نتیجه های منفی برای زن
و خانواده و جامع ه در بر خواهد داشت که می توان آن
را بدینصورت خلاصه نمود:

1- ایجاد مزاحمت برای مردان در اتوبوسها و در کار:
و گاهی زن خسته از پای در می آید، و نیز گاهی بر اثر
شلوگی و کار زیاد در معرض خطر قرار می گیرد و بعضی
خصوصیت های زنانه در زیبایی اش را از دست می دهد.

2- زنی که بیرون از خانه کار می کند نمی تواند
کارهای خانه اش را بخوبی انجام دهد و نیز نمی تواند
فرزندانش را تربیت نماید و به آنها رسیدگی کند، که
رفته رفته شوهر از همسرش بدلیل نپرداختن به امور
خانه داری و تربیت فرزندان دلسرد می شود و نهایتا
منجر به طلاق و جدایی می گردد و یا اینکه با زنی دیگر
ازدواج می کند.

3- گاهی اشتغال زن در بیرون از خانه سبب طلاق و
جدایی و فرو پاشیدن خانواده و پراکنده شدن بچه ها
می شود زیرا ممکن است زن در محل کارش به مردی دیگر
علاقه مند شود چون شیطان مانند خون در بدن انسان حرکت
می کند.

4- کار کردن زن بیرون از خانه باعث می شود تا مادر
از بچه هایش جدا شود در نتیجه فرزندان از مهر مادری
و تربیت مادر محروم می شوند و در نهایت منحرف گشته و
دست به ارتکاب جرایم می زنند، همانگونه که در جوامع
غربی کار کردن زن در بیرون از خانه چنین نتیجه هایی
منفی بر جای گذاشته است.

5- از آثار بد کار کردن زن در بیرون از خانه، از
دست دادن کودک است مادر وقت کارش فرا رسیده و کودک
مریض است، مادرش را صدا می زند و می گوید مرا در خانه
تنها برای چه کسی می گذاری؟ اما، مادر مجبور است که
سر کارش برود و کودک همچنان فریاد می زند مادر مادر؟
هنگامی که مادر از سر کار به خانه بر می گردد با
جسد بی روح کودکش روبرو می شود که زندگی را بدرود
گفته است، مادر غمگین می شود و برای از دست دادن
کودکش گریه می کند و از کارش پشیمان می گردد و با خود
می گوید فایده این کار و حقوق چیست؟ پولی که باعث
مرگ کودکم و از دست دادن عزیزترین سرمایه ام می شود
چه سودی دارد؟

زن یکی از عوامل بیکاری در جوامع غربی

1- در جوامع غربی، زنان به تمام میدانهای کار وارد
شده اند بنابر این آمار بیکاری در این جوامع بسیار
بالا رفته است، که کنترل رشد فزاینده بیکاری برای

اقتصاد دانان مشکل گردیده است، علت اصلی رشد بیکاری در این جوامع هجوم زنان به میدان های کار است که باعث ایجاد مزاحمت برای مردان در اداره های دولتی و شرکتها و کارخانه ها و دیگر مؤسسات شده است.

2- بحران های اقتصادی که جوامع غربی دچار آن شده اند، آنها را بر آن داشته تا بسیاری از کارمندان و کارگران خود را اخراج کنند، و آنها معمولا بیشتر مردان را از کار اخراج می کنند. چون مدیران شرکت و کارخانه ها و مراکز تجاری زنان را بر مردان ترجیح می دهند، چون کارمند زن با جذابیت خاص زنانه خود مشتریان زیادی را جلب می کند.

3- متاسفانه کشورهای عربی و اسلامی نیز قدم به قدم از جوامع غربی تقلید می کنند و زنان را به عرصه های کار و اشتغال در اداره های حکومتی وارد نموده اند، حتی بسیاری از وکلاء و نیز بیشتر کارکنان شرکت ها و مؤسسه های خصوصی و عمومی و کارگاهها را زنان تشکیل می دهند این امر باعث شده تا مردان که مسئولیت تهیه مخارج خانواده به عهده شان است، بیکار بمانند و در چنین اماکنی که زن و مرد با هم یکجا هستند بر اثر اختلاط آنها، فساد اخلاقی انتشار پیدا نموده و روابط زن و شوهر بر اثر این اختلاط تیره گردیده است.

خطر اختلاط زن و مرد در مدارس

اختلاط زن و مرد و دختر و پسر به ویژه در مدارس:

1- دانشکده کشاورزی یکی از کشورهای عربی و اسلامی، دانشجویان دختر و پسر را برای آموزش به مزرعه ای می برد، یکی از دانشجویان پسر همراه دانشجوی دختر بعد از تعطیل شدن کلاس، به قسمت دستشویی ها می روند تا آنجا با همدیگر تنها بمانند، نگاهیان مزرعه متوجه می شود که آن دانشجو همراه دوست دخترش وارد دستشویی شد، که با دستگیری آنها دختر رسوا می شود.

2- بسا اوقات معلمین (آقایان و خانمها) در يك اتاق جمع می شوند و با یکدیگر شوخی می کنند و می خندند که بر اثر این عمل، فساد بروز می کند و گاهی شوهران از زنان خود متنفر می شوند و علاقه خود را نسبت به همسر خود از دست می دهند زیرا با زنان زیباتری در محیط کار و جایی که با هم دیگر صحبت شده، آشنا می شوند که در نهایت منجر به طلاق و جدایی می شود و سبب جدایی این زن و شوهر در حقیقت هم آن خانم معلمی بوده که حجاب را رعایت نمی کرده و با آقا معلم هم صحبت و دوست شده است.

3- حتی کودکان که در کلاسهای ابتدایی درس می خوانند و معلمشان خانم است وقتی به کلاسهای بالاتری می روند و

در کلاس جدید آن خانم دیگر معلم آنها نیست با معلم جدید خود رفتار و حركت خانم معلم قدیم را تعریف می‌کنند که چگونه خودش را کج می‌کرد و ما رانها و ساق پاهای او را نگاه می‌کردیم.

خداوند سرزمین حجاز را تاکنون از این اختلاط مضر در تمام مقاطع تحصیلی در امان قرار داده است و بحمدالله دختران دانشجوی عربستان بسیار پای بند اخلاق و حج اب اسلامی هستند.

شرایط اشتغال زن مسلمان در بیرون از خانه اسلام زن را به بهترین صورت مورد اکرام قرار داده است و اجازه داده تا در میان خانواده و جامعه به عنوان عنصری مطلوب و اساسی در ساختن خانواده مسلمان و جامعه و حکومت اسلامی فعالیت نماید.

دین مبین اسلام اشتغال زن را قطعا ممنوع نکرده است بلکه اسلام روش و نوع کار زن را مشخص نموده به گونه‌ای که مناسب با طبیعت و فطرت خدادادی زن باشد اسلام شرایطی برای کار کردن زن در نظر گرفته است که حافظ کرامت و شرافت زن می‌باشد.

شرایط اشتغال زن در بیرون از خانه:

- 1- در محل کار نباید زن و مرد مخلوط باشند زیرا اختلاط زن و مرد برای اخلاق و دین مضر است.
- 2- کار کردن زن بیرون از خانه باید با اجازه و موافقت شوهر یا پدر و یا برادر و یا هر کسی که مسئول آن زن می‌باشد هماهنگ گردد.
- 3- کار زن باید مناسب با طبیعت زن و در اندازه توانش باشد و کارهای طاقت فرسا و سخت و خسته کننده که در توان زن نیست نباید به انجام آن اقدام کند.
- 4- زن باید در قسمت هایی کار کند که جامعه از کار او بهره‌مند شود مثلا:

الف - در قسمت آموزش و پرورش دختران تا بجای مردان، زنان آنها را آموزش بدهند.

ب) در قسمت پزشکی و پرستاری زنانه تا زنان را پزشکان زن معالجه کنند نه پزشکان مرد.

ج) خیاطی زنانه: تا زنان مجبور نشوند به خیاطهای مرد برای دوختن لباسشان مراجعه کنند.

د) کارش نباید بیشتر وقتش را در بر گیرد، بلکه باید قسمت اعظم از اوقات خود را صرف خانه داری و رسیدگی از شوهر و تربیت فرزندانش بنماید.

ه) هنگام رفتن سرکار، خودش را آرایش نکند و عطر و خوشبویی استعمال نماید بلکه لباس سیاه و بلند و گشاد بپوشد و در هنگام دیدن مردها چهره اش را بپوشاند.

انتخاب همسر

- 1- در ازدواج نباید زن مال و مقام و زیبایی را معیار قرار دهد بلکه کسی را به شوهری انتخاب کند که دیندار باشد، زیرا پیامبر « فرموده است: (اذا أتاكم من ترزون خلقه و دینه فزوجوه، الا تفعلوا تكن فتنة فی الارض و فساد کبیر) هرگاه کسی برای خواستگاری دخترتان آمد که شما او را از { P - حسن رواه الترمذی و غیره P } نظر اخلاقی و دینی می‌پسندید دختر خود را به ازدواج او در بیاورید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی زمین را فرا خواهد گرفت.
 - 2- شوهر دیندار اگر زن را دوست داشته باشد او را در امور دنیا و آخرت کمک خواهد کرد.
 - 3- شوهر اگر دیندار باشد گرچه ممکن است زنش را دوست نداشته باشد اما لااقل او را ناپسند نمی‌داند و بر او ظلم نمی‌کند و او را تحقیر نمی‌نماید زیرا شوهر دیندار به گفته های پیامبر « عمل می‌کند که فرموده است: (لا یفرک مؤمن مؤمنة، ان کره منها خلقا رضی منها آخر) هیچ مرد مؤمنی از زن { P - مسلم P } مؤمنش متنفر نمی‌شود، زیرا اگر در بعضی موارد اخلاقش را نمی‌پسندد در جایی دیگر مورد پسندش می‌باشد.
 - 4- شوهر دیندار زن را در امور تربیت درست و اسلامی به فرزندان کمک می‌نماید.
 - 5- خواهرم! اگر شوهرت دیندار باشد اسلام سرنوشت ساز زندگی شما خواهد بود و سعادت دنیا و آخرت را برایتان تضمین خواهد کرد.
 - 6- خواهرم! اگر اشتباهی از تو سرزند، شوهر متدین تو را نصیحت خواهد نمود و راه درست را به تو نشان می‌دهد، بنابر این برای ازدواج مردی را انتخاب کن که دیندار باشد.
 - 7- مرد مسلمان باید زن نیکو و متدین و با حجاب را برای همسری انتخاب نماید زیرا چنین زنی خانه و خانواده اش را از فساد حفاظت می‌نماید، و چنین زنی حق شوهر را بجای می‌آورد، زیرا او از گفته های پیامبر « را بیاد آور که فرموده است: «تنکح المرأة لاربعة: لمالها و لحسبها و لجمالها و لدینها، فاظفر بذات الدین تربت یداک» بر اساس چهار ویژگی مردم با زن ازدواج { P - متفق علیه P } می‌نمایند: یا بخاطر مالش و یا به خاطر نسب و نژاد و یا به خاطر زیبایی و یا به خاطر دینداری، با انتخاب زن دیندار به موفقیت دست یابید.
- شخصیت و اخلاق و درون ارزش دارد نه قیافه و صورت ظاهری، آنحضرت « فرموده اند: «ان الله لا ينظر الى صوركم

و اجسامکم ولكن ينظر الى قلوبکم و اعمالکم» (خداوند به قیافه و چشم و شما نگاه نمی کند) {P - مسلم P} بلکه به دلها و اعمالتان نظر دارد.)

آزادی زن در انتخاب شوهر

اسلام زن را مورد اکرام قرار داده است و حق زن در انتخاب شوهر را محفوظ داشته و به نظر و خواست زن در انتخاب شوهر که حساسترین مرحله در زندگی است احترام گذاشته است، زیرا آینده زن به انتخاب شوهر بستگی دارد و اسلام اینگونه به زن در انتخاب شوهر آزادی داده است:

اجازه گرفتن از دوشیزه در ازدواج : دختر باکره حق انتخاب شوهر و اظهار نظر در موضوع ازدواج را دارد، حضرت عایشه رضی الله عنها می گوید: من از پیامبر» در مورد دختری که خانواده اش او را در نکاح کسی در می آورند پرسیدم که آیا از او اجازه گرفته شود یا نه؟ پیامبر» به حضرت عایشه رضی الله عنها گفت: بله از دخترها اجازه گرفته می شود. حضرت عایشه رضی الله عنها گفت من به پیامبر» گفتم دختر از شرم و حیا چیزی نمی تواند بگوید. پیامبر» فرمود اگر ساکت بنشینند به معنی این است که رضایت دارد.

{P - بخاری - النکاح 1} - دختر کم سن و سال : پدر می تواند دختر کم سن خود را بدون اجازه به عقد کسی در بیاورد، حافظ ابن حجر می گوید: زیرا اجازه گرفتن از کسی که چنان کم سن و سال است که نمی داند اجازه خواستن یعنی چه، معنی ندارد و سکوت و ناراضی چنین فردی یکسان و برابر است. و نیز در قرآن آمده {P - فتح الباری 193/9} است: (وانکحوا الایامی منکم) {P - نور: 33} ایم در زبان عربی یعنی زنی که شوهر ندارد فرقی نمی کند کوچک باشد، یا بزرگ. پس این آیه دلیلی است بر اینکه پدر می تواند دختر کوچکش را بدون اجازه به عقد کسی در بیاورد، در حدیث نیز آمده است: که ابوبکر 2 عایشه رضی الله عنها را به عقد پیامبر» در آورد در حالی که عایشه دختری شش ساله بود و در سن نه سالگی به خانه پیامبر» برده شد.

{P - متفق علیه 2} - زن بالغ و بیوه : زنی است که یک بار ازدواج کرده اما از شوهرش جدا شده و طلاق گرفته است، جایز نیست که چنین زنی را بدون اجازه و رضایتش به عقد کسی در آورد.

و باید رضایت خود را با زبانش بگوید، زیرا پیامبر» فرموده است: (لا تنکح الایم؛ حتی تستأمر)

{P - بخاری P} حافظ ابن حجر می گوید ظاهر حدیث این مفهوم را می رساند که «ایم» زن بیوه ای است که شوهرش

فوت کرده و یا از شوهرش طلاق گرفته است. و نکاح چنین زنی جایز نیست تا زمانی که از او اجازه گرفته شود. { P - فتح الباری 192/9 } اگر ولی و سرپرست چنین زنی او را بدون اجازه اش به عقد کسی در بیاورد نکاح صحیح نیست. از خنساء بن خدام انصاری رضی الله عنهما روایت شده است: (ان اباهما زوجها و هی ثیب، فکرت ذلك، فأتت رسول الله فرداً نکاحها) پدرش او را با اینکه بیوه بود به ازدواج کسی در آورد و او { P - بخاری P } نمی‌پسندید بنابراین نزد پیامبر آمد و آنحضرت نکاحش را فسخ کرد.

3- دختر دوشیزه ای که به سن بلوغ رسیده است : برای ولی و سرپرست او جایز نیست که او را به نکاح کسی در بیاورد تا زمانی که رای و نظر دختر را نپرسیده است، زیرا پیامبر « فرموده است: (لا تنکح الکبر حتی تستاذن و الثیب حتی تستأمر فقیل له؛ ان البکر تستحی فقال اذنها صماتها و فی روایة البکر یستأذنها ابوها) دختر باکره بدون اینکه از او اجازه گرفته شود و زن { P - بخاری P } بیوه تا وقتی از او مشوره گرفته نشده به نکاح کسی در آورده نشود گفته شد دختر باکره از خجالت نمی‌تواند اظهار نظر کند . فرمود: سکوت دختر باکره به معنی اجازه است و در روایتی آمده از دختر باکره پدرش اجازه می‌گیرد.

پیامبر» و اکرام دختران

پیامبر» پدران و مربیان را دستور داده تا با دختران به نیکی رفتار کنند و به آنها توجه نم‌ایند و فرموده است : «من عال جارتین حتی تبلغا جاء یوم القیامة انا و هو و ضم اصابعه - ای معا» هر کسی دو دختر تحت تکفل { P - مسلم P } خود گرفته و آنها را پرورش دهد تا که به سن رشد برسند روز قیامت در حالی می‌آید که من و او چنین هستیم و انگشتانش را به هم چسپانند. (یعنی در کنار هم هستیم)

و نیز فرموده است: (من عال جارتین حتی یدرکا، دخلت انا و هو الجنة کهاتین) هر کسی دو دختر را پرورش دهد تا وقتی بزرگ شوند من و او { P - مسلم P } چنین وارد بهشت می‌شویم (با چسباندن دو انگشت اشاره نمود) و نیز فرموده است: (من کان له ثلاث بنات فصبر علیهن و اطمعهن و سقاهن و کساهن من جدته - یعنی ماله) - کن له حجابا من النار) هر { P - صحیح الجامع الشیخ البانی رحمة الله علیه P } کسی سه دختر داشت و بر آنها صبر نمود و به آنها از دسترنج خویش غذا داد و آب نوشاند، آن دختران مانعی خواهند بود از ورود آن مرد به آتش جهنم.

و فرموده : (من ابتلى من هذه البنات بشىء فاحسن اليهن، كن له سترا من النار) هر كسى با اين دختران مورد آمايش قرار گرفت و با آنها به { P - متفق عليه } نيكي رفتار كرد آنها مانعى خواهد بود براى او از عذاب جهنم .

و عايشه رضى الله عنها گفته است : «جاءت مسكينة تحمل ابنتين لها، فاطعمتها ثلاث تمرات، فاعطت كل واحد تمره و رفعت الي فيها تمره لتاكلها فاستطعمتها ابنتاهما، فشقت التمره التي كانت تريدان تاكلها بينهما، فأعجبني شأنها فذكرت الذى صنعت لرسول الله » فقال : ان الله قد وجب لها الجنة و اعتقها من النار» زنى فقير در حالى كه دو دختر همراه داشت آمد من به او { P - متفق عليه } سه دانه خرما دادم، آن زن به يكي از دخترانش يك دانه خرما داد و يك دانه خرما را به دهان گرفت كه خودش بخورد دخترانش آن خرما را خواستند، آن زن دانه خرمایی را كه مى خواست بخورد میان دو دخترش دونيم كرد و به هر يك نصفى داد، اين عملش مرا پسند آمد و آنرا براى پیامبر ذكر نمودم، پیامبر فرمود : خداوند با اين عملش بهشت را براى او واجب و جهنم را از او دور ساخت.

محمد بن سليمان گفته است پسران نعمت اند و دختران نيكي هستند خداوند در مورد نعمت از ان سان حساب مىگيرد و نيكي را پاداش مىدهد.

قرآن و اكرام زنان

اسلام زنان را محترم قرار داده و از ناپسند دانستن دختران و غمگين شده هنگام ولادت دختران نهى کرده و اين بدشگونى از سنت هاى دوران جاهليت بوده است . خداوند متعال مىفرمايد :

(و اذا بشر احدكم بالانثى ظل وجهه مسودا و هو كظيم يتوارى من القوم من سوء ما بشر به ايمسكه على هون ام يدسه فى التراب الا ساء ما يحكمون)

{ P - النمل: 79 } و هنگامى كه به آنان مژده تولد دختر داده مى شد صورتش سياه رنگ مى گردید و مملو از خشم و غضب و اندوه مى شد از قوم و قبيله خود به خاطر اين مژده بدى كه به او داده مى شد خويشتن را پنهان مى كرد آيا اين ننگ را بر خود بپذيرد و دختر را نگاه دارد و يا او را در زير خاك زنده بگور سازد؟ هان چه قضاوت بدى كه مى كردند!

اين كار بر اثر ضعف ايمان و سستى يقين مى شود، زيرا آنها به قسمت خداوند كه بهره آن را دختر قرار داده راضى نيستند، عجب اينجاست كه امروز نيز بعضى از مردان و زنان مسلمان از متولد شدن دختر ناراحت

می‌شوند و دوست دارند فرزند پسر داشته باشند گویا آنها گفته خداوند را نشنیده‌اند که فرموده است: (لله ملك السموت و الارض يهب لمن يشاء انثا و يهب لمن يشاء الذكور او يزوجهم ذكرانا و انثا و يجعل من يشاء عقيما انه عليم قدير)

{ P - شوری 49-50 } مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خدا است هر چه بخواهد می‌دهد و به هر که بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هر کس که بخواهد پسرانی عطا کند و یا آنکه هم پسران می‌دهد و هم دختران و خدا هر که را بخواهد نازا می‌کند او بس آگاه و توانا است.

خداوند دختران راهبه و بخشش نامیده است بنابر این شکر خداوند را باید بجا آورد و هبه الهی از هر چیز بیشتر شایسته پذیرفتن است.

و اثلة بن اسقع می‌گوید: دختران باید افتخار نمایند که خداوند اسم آنها را قبل از اسم پسران ذکر کرده و فرموده است: (یهب لمن يشاء انثا و يهب لمن يشاء الذكور)

{ P - الجامع لاحکام القرآن P } مادر از همکاری و مساعدت دختر بیشتر استفاده می‌کند تا از همکاری پسر، زیرا دختر به مادرش نزدیک تر است و در خانه بیشتر کمک می‌کند.

از ابن عمر 2 روایت شده است که: مردی که دارای چند دختر بود نزد وی زندگی می‌کرد آن مرد گفت کاش که دخترانم می‌مردند، ابن عمر 2 خشمگین شد و گفت: آیا مگر تو روزی آنها را می‌دهی؟

{ P - بخاری - ادب المفرد P } امام ابن قیم جوزی؛ می‌گوید: هیچ زن و شوهر از این چهار حالت خارج نیستند، یا فرزندشان دختر است و یا پسر، یا پسر و دختر و یا عقیم و نازا هستند، و در هر حال فرزند چه پسر و چه دختر، بخششی است از جانب خداوند که شاید انسان از بخشش خدا ابراز ناخشنودی کند. خداوند در قرآن ذکر دختر را مقدم بر ذکر پسر آورده است، چون در زمان جاهلیت زنان ارزشی نداشتند و دختران را زنده به گور می‌شدند. بنابراین خداوند متعال اعلام داشت که دختران از دیدگاه شما موجودی بی ارزش محسوب می‌شوند ولی از نظر من خیلی با ارزش‌اند. و زنان را به صورت نکره ذکر کرده، تا نقص زن بودن با تقدم نام جبران شود و مردان را با کلمه معرفه ذکر نمود تا عدم ذکرشان در اول جبران گردد.

{ P - نگاه کنید به تحفة المودود باحکام المولود ص 20-21 } ابن قیم می‌گوید خداوند در مورد زنان فرموده است:

(فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فيه خيرا كثيرا)

{ P - نساء: P 19 } و اگر هم از آنها کراهت داشتید چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

و چنین است حال فرزند دختر اینگونه هستند، شاید خداوند خیر دنیا و آخرت را برای بنده اش در وجود فرزندان دختر قرار داده است، و چیزی که خداوند پسندیده و به بنده اش بخشیده است ناپسند دانستن آن نادرست است.

{ P - تحفة المودود ص P 26 } و شاید به همین خاطر است که پیامبر» از تبریک گفتن کسی که تازه ازدواج کرده با عبارت: (بالرفاء و البنین) (مبارک باد، خداوند به شما پسران خوبی بدهد)، نهی کرده است، زیرا در این جمله فقط دعا شده که خداوند پسر بدهد نه دختر، از حضرت حسن 2 روایت شده که عقیل 2 بن ابی طالب، با زنی از قبیله چشم ازدواج کرد، مردم نزد او آمده و او را با این جمله تبریک گفتند: (بالرفاء و البنین) (مبارک باد، خداوند به شما پسران خوبی بدهد)، عقیل 2 گفت اینطور نگویید زیرا پیامبر خدا «این جمله را نهی کرده است، مردم گفتند ما چه بگوییم ای ابوزید؟ گفت: بگویید خداوند برایتان برکت بدهد، ما در زمان پیامبر» چنین دستور داده شدیم. به روایت { P - آداب الزفاف شیخ آلبنانی؛ ص P 176 } احمد و غیره

کرامت زن مسلمان

زنان مسلمان در صدر اسلام افرادی را که در خطر بودند پناه می دادند و اسیران را آزاد می کردند که همه اینها بیانگر این است که زن مسلمان از نهایت احترام و عزت برخوردار بود، ام هانی بن ابی طالب دو تن از خویشاوندان شوهرش را که محکوم به مرگ بودند پناه داد، او می گوید: در سال فتح مکه نزد پیامبر» رفتم دیدم که آنحضرت «مشغول غسل کردن است و فاطمه با لباسش او را می پوشاند سلام کردم، پیامبر» گفت چه کسی است؟ گفتم من ام هانی دختر ابو طالب هستم، پیامبر» فرمود: خوش آمدی ای ام هانی! بعد از اینکه پیامبر» فارغ شد برخاست و در حالی که پارچه ای به خود پیچیده بود، هشت رکعت نماز خواند، چون نمازش را تمام کرد گفتم: ای پیامبر خدا! برادرم علی 2 می خواهد مردی را که من پناه داده ام به قتل برساند، من بن هبیره را پناه داده ام، پیامبر» فرمود: کسی را که تو پناه داده ای ما نیز هم پناه دادیم. (بخاری)

ابوالعاص بن ربیع شوهر قبلی دختر پیامبر زینب را که هنوز مسلمان نشده بود و زینب به همین دلیل از او جدا شده بود، به اسارت در آمده بود ابوالعاص از زینب خواست که او را پناه بدهد، زینب به او وعده داد که کاری برایش بکند منتظر ماند تا پیامبر « با مسلمین نماز صبح را بخواند، آنگاه از درخ انه اش که به مسجد باز می شد با صدای بلند آواز داد که من ابوالعاص بن ربیع را پناه داده ام، پیامبر « فرمود: ای مردم! شما شنیدید زینب چه گفت؟ مردم گفتند بله، پیامبر « فرمود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست من قبلا خبر نداشتم تا آلان که من و شما این کلمات را با هم شنیدیم، سپس ادامه داد که مسلمانان علیه دشمنان خود دست واحدی هستند، و ادنی ترین آنها با دیگران برابر است، آنگاه به زینب چنین فرمود: ما نیز پذیرفتیم پناه کسی را که به تو پناه داده ای» سپس وقتی پیامبر « به خانه اش وارد شد زینب پیش او رفت و از پیامبر « خواست تا اموال ابو العاص را که به غنیمت گرفته شده بود به وی برگرداند و پیامبر « نیز چنین کرد، بعد ابو العاص به مکه برگشت و حقوق و دیونی که بر گردنش بود هر يك را به صاحبانش باز گرداند و سپس به مدینه برگشت و مسلمان شد و پیامبر « همسرش زینب را دوباره به عقد او در آورد.

{ P - سیر اعلام النبلاء ج 1 ص 332/ الاصابة P.48/7 }

حرمت قتل زنان در جنگ

دین اسلام، زن را چنان مورد اکرام قرار داده است که کشتن زنان و کودکان و پیرمردان را در جنگ حرام قرار داده است، مگر در صورتی که زنان و کودکان و پیرمردان به جنگ برخیزند، آنگاه باید با آنها جنگید.

از انس بن مالك 2 روایت شده که پیامبر « وقتی لشکری را میفرستاد به آنها چنین توصیه می کرد:

انطلقوا باسم الله، لا تقتلوا شیخا خافیا، و لا طفلا صغیرا و لا امرأة، و لا تغلوا، و ضحوا غنائمکم و اصلحوا و احسنوا ان الله يحب المحسنين

{ P - محقق جامع الصول این حدیث را حسن قرار داده است. P } «بروید به نام خدا، پیرمرد سالخورده کودک و زنان را قتل نکنید و خیانت نکنید و غنائم خود را جمع آوری کنید و اصلاح و نیکی کنید که خداوند کسانی را که نیکی می کنند دوست دارد.

و از عبدالله بن عمر 2 روایت شده است:

«وجدت امرأة مقتولة فی بعض مغازی رسول الله « فنهی رسول الله « عن قتل النساء و الصبيان و فی رواية (فانکر)».

{ P - متفق عليه } «در یکی از جنگهای پیامبر» جسد زنی یافته شد، پیامبر با مشاهده آن از کشتن زنان و کودکان نهی فرمود. و در روایتی آمده است که کشته شدن آن زن را ناپسند دانست.»

و عن رباح بن الربيع² قال: كنا مع رسول الله «في غزوة فرأى الناس مجتمعين على شيء، فبعث رجلا فقال: انظر علام اجتمع هؤلاء؟ فجاء فقال: امرأة قتيل، فقال: «ما كانت هذه لتقتل قال: و على المقدمة خالد بن الوليد، قال: فبعث رجلا فقال: قل لخالد لا تقتلن امرأة و لا عسيفا»

{ P - شيخ آلبناني رحمه الله عليه در الارواء این حدیث را حسن قرار داده است. P } «از رباح بن الربيع² روایت شده که گفت: ما، در جنگی همراه پیامبر «بودیم آنحضرت متوجه شد که مردم بر چیزی جمع شده اند کسی را فرستاد و گفت: نگاه کن آنها چرا جمع شده اند؟ آن مرد برگشت و گفت: زنی کشته شده است، پیامبر «فرمود: نباید این زن کشته می شد. خالد فرماندهی دسته مقدم جنگ را به عهده داشت پیامبر کسی را فرستاد و گفت: به خالد بگو: مبادا زن یا برده ای را قتل کنی.» بدینجهت خاورشناس فرانسوی گفته است: تاریخ، هیچ کشورگشا و فاتحی مهربان تر از کشورگشایان مسلمان نشناخته است.

اسلام و حفظ نام نيك زن

حفظ آبرو و نيك نامی زن چنان پیش خداوند مهم است که در این مورد قرآن آیه هایی نازل نموده که تا قیامت تلاوت می شوند و در این آیات خداوند مردم را از تهمت زدن و پخش کردن شایع بد در مورد زن مسلمان بر حذر داشته است. چنانکه فرموده است:

(والذين يرمون المحصنات المؤمنات ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة و لا تقبلوا لهم شهادة ابدا و اولئك هم الفاسقون)

{ P - سوره نور: آیه 4 } «کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه نمی آورند، بدیشان هشتاد تازیانه بزنید و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید و چنین کسانی فاسق می باشند.» خداوند در این آیه سزای کسی را که به زن مؤمن تهمت می زند، هشتاد ضربه شلاق قرار داده، و نیز با نپذیرفتن شهادت تهمت زننده برای همیشه و توصیف او به فسق، سزایش را تشدید نموده است. خداوند تنها به این سزا بسنده نکرده، بلکه: چنین افرادی را که زنان

پاکدامن را تهمت می زنند تهدیدهای شدیدتری نموده است:

(ان الذین یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا و الآخرة و لهم عذاب عظیم یوم تشهد علیهم السنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما كانوا یعملون، یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق و یعلمون ان الله هو الحق المبین) { P - نور آیه 23 } «کسانی که زنان پاکدامن و بیخبر از گناه مؤمن را به زنا متهم می سازند در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و عذاب عظیمی دارند. در آن روزی که علیه آنان زبان و دست و پای ایشان بر کارهایی که کرده اند گواهی می دهند در آن روز خداوند جزای واقعی آنان را بی کم و کاست بدیشان می دهد و آگاه می گردند که خداوند حق آشکار است. و در قضیه افک خداوند، پاک دامنی عایشه را نازل کرد و فرمود:

(ان الذین جاءوا بالافک عصبة منکم لا تحسبوه شرا لکم بل هو خیر لکم لکل امری منهم ما اکتسبت من الاثم، والذی تولى کبره منهم له عذاب عظیم)

{ P - نور: 11 } «کسانی که این تهمت بزرگ را پرداخته و سر هم کرده اند، گروهی از خود شما هستند، اما گمان مبرید که این حادثه برا یتان بد است بلکه این مسأله برایتان خوب است و هر کدام از آنان به گناه کاری که کرده است گرفتار می آید و کسی که بخش عظیمی از آن را به عهده داشته است، عذاب بزرگ و مجازات سنگینی دارد.»

وحی زن را کمک می کند

خداوند متعال بوسیله وحی، ستمی را که در گذشته به زنان می شده از آنان دور کرده و حقش را به او باز گردانده است. از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است: بلند و با عظمت است خداوند که همه چیز را کامل شنید، گویا اکنون من سخن خوله دختر ثعلبه را می شنوم و بعضی از کلماتش را نمی شنوم که پیش پیامبر « از همسرش شکایت می کرد می گفت: «ای پیامبر خدا « شوهرم مالم را خورد، و جوانی ام را از بین برد، چندین فرزند از شکم من برایش متولد شد تا اینکه سن من بالا رفت و پیر شدم و دیگر بچه به دنیا نمی آورم، آنگاه شوهرم مرا بر خود حرام کرد !!! بار خدایا من به تو شکایت می کنم». عایشه می گوید دیری نگذشت که جبرئیل این آیه را آورد:

(قد سمع الله قول الی تجادلک فی زوجها و تشتکی الی الله و الله یسمع تحاورکما ان الله سمیع بصیر)

{ P - مجادله: آیه 1/ بخاری و غیره P } «خداوند گفتار آن زنی را شنید و پذیرفت که درباره شوهرش با تو بحث و مجادله می‌کند و به خدا شکایت می‌برد.»
 در تایید این زن نیک که پیش خداوند شکایت کرد و در مورد آنچه میان او و شوهرش اتفاق افتاده بود با پیامبر» مجادله نمود وحی نازل شد، خداوند بلا فاصله شکایت او را جواب داد؛ آری زن مومن و مسلمان اینگونه است و هرگاه مشکلی برایش پیش بیاید نزد خداوند شکایت برد و فقط خدای یگانه را می‌خواند و از کسی دیگر غیر از او کمک نمی‌جوید و نزد ساحران و فالگیرها نمی‌رود، آنطور که بعضی از زنان در این زمانه وقتی مشکلی پیش می‌آید به قبور اولیاء پناه می‌برند در حالی که اولیاء مرده اند و نمی‌شنوند و نمی‌توانند کاری را انجام دهند بلکه خود آنها نیازمند دعای خیر می‌باشند، خداوند متعال فرموده است: (والذین تدعون من دون الله لا یخلقون شیئا و هم یخلقون اموات غیر احياء و ما یشعرون ايان یبعثون)
 { P - النحل: P 20 } «آن کسانی را که به جز خدا به فریاد می‌خوانند و پرستش می‌نمایند آنان نمی‌توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان آفریده شده اند، مرده و بی‌جان اند و نمی‌دانند که چه وقت زنده و برانگیخته می‌شوند.»
 کمک خواستن از غیر الله و مردگان یا افراد غایب شرک است که خداوند بر اثر آن اعمال نیک انسان را نابود می‌کند.

(قل انما ادعوا ربی و لا اشرك به احدا)

{ P - جن: P 20 } «بگو تنها پروردگارم را می‌پرستم و کسی را انباز او نمی‌کنم.»
 (لئن اشركت لیحبطن عملك و لتكونن من الخاسرين)
 { P - زمر: P 65 } «اگر شرک ورزی، کردارت هیچ و نابود می‌شود.»

بعضی از زنان نزد ساحران و کاهنان و فالگیرها می‌روند که پیامبر» در مورد آنها فرموده است: «من اتی کاهنا أو عارفا فصدقه بما یقول فقد کفر بما انزل علی محمد» «هر کس نزد کاهن و فالگیری برود و او را از چیزی بپرسد نماز چهل روز او قبول نخواهد شد.» به روایت احمد. آلبانی این حدیث را صحیح قرار داده است.

و نیز فرموده است: «من اتی عرافا، فسأله عن شیء لم تقبل له صلوٰة اربعین لیلة»

{ P - رواه مسلم P } «هر کس پیش کاهن و فالگیری بیاید و او را از چیزی بپرسد نماز چهل روز او قبول نخواهد شد.»

عمل به شیوه زنان نیکو

جبرئیل⁷ در غار حراء نزد پیامبر « آمد و گفت: (اقرأ باسم ربك الذی خلق) پیامبر خدا» نزد خدیجه برگشت در حالی که بدنش می لرزید و او را از ماجرا خبر کرد و گفت: من ترسیدم که مرا طوری نشود خدیجه گفت: سوگند به خدا که او تو را هرگز رسوا نخواهد کرد زیرا تو صله رحم را برقرار می کنی و به بینوایان کمک می نمایی و مهمانان را گرامی می داری و به یاری ستمدیدگان می شتابی، آنگاه پیامبر را نزد ورقه بن نوفل برد، به او گفت پسر عمو به سخنهاى برادر زاده ات گوش بده، پیامبر « آنچه را دیده بود به اطلاع ورقه بن نوفل رساند، ورقه گفت: او همان رازدار بزرگ، جبرئیل بوده که بر موسی نازل می شد کاش من در زمان رسالت تو زنده و تندرست می بودم، کاش زنده می ماندم وقتی تو را قومت از شهر بیرون می کنند، پیامبر « فرمود: «مگر آنها مرا بیرون خواهند کرد؟ ورقه گفت: بله، هیچ مردی به این رسالت که تو مبعوث شده ای نیامده، مگر اینکه قومش با او دشمنی کرده اند و اگر من در آن روز زنده باشم تو را به حق یاری خواهم کرد. بدینصورت خدیجه رضی الله عنها پیامبر « را تشویق کرد که دعوت را { P - بخاری باب بدء الوحی P } ادامه دهد و به او دلداری داد که خداوند تو را به خاطر صفات نیکویی از قبیل کمک کردن به بینوایان و یاری فقرا و اکرام مهمانان و کمک به مصیبت زدگان، هرگز رها نخواهد کرد.

ابن حجر می گوید در این قصه فوایدی هست که عبارتند از:

(الف) مستحب است کسی را که برایش کار مهمی پیش آمده دلداری داده و مشکل را برای او آسان جلوه داد.

(ب) مستحب است کسیکه برایش کار مهمی پیش آمده فردی را که به خیر خواهی او و صحت نظرش اعتماد دارد در جریان قرار دهد.

{ P - فتح الباری 25/1 } حتی اگر فرد مورد اعتماد زن باشد، همانگونه که پیامبر « با خدیجه مشوره کرد و این نشانگر اهمیت زن در اسلام است.

2- در صلح حدیبیه وقتی پیامبر « از نوشتن عهد نامه فارغ شد به اصحابش فرمود برخیزید و قربانی هایتان را ذبح کنید و سپس سرهایتان را بتراشید، کسی بلند نشد تا اینکه پیامبر « سه بار تکرار کرد وقتی دید کسی بلند نمی شود نزد همسرش ام سلمه رضی الله عنها برگشت و آنچه پیش آمده بود برای ام سلمه بیان کرد، ام سلمه به آنحضرت پیشنهاد کرد: بیرون برود بدون اینکه با کسی حرف بزند تا قربانی را ذبح نموده و سر خویش

را بتراشید، پیامبر» نیز از جایگاه خود بیرون رفت و با کسی حرف نزد و قربانی اش را سر برید و فردی را خواست تا سرش را تیغ بزند، وقتی اصحاب دیدند همه بلند شدند و قربانی‌های خود را سر بریدند و شروع به تراشیدن سر یکدیگر نمودند طوری که بیننده خیال می‌کرد با هم درگیر شدن و خونریزی براه انداخته‌اند.

{ P - بخاری } این داستان دلیل روشنی است بر این موضوع که از زن نیکو و صالح در امور امت اسلامی مشوره گرفته می‌شود و در مورد قضایای مهم به رأی و نظرش عمل می‌شود و نیز روایت مذکور بیانگر عقل کامل و نظر درست ام المؤمنین ام سلمه است زیرا پیامبر « به مشوره او عمل نمود و مشکل حل گردید.

از داستان خدیجه و ام سلمه و مشوره پیامبر» از آنها چنین نتیجه می‌گیریم که اسلام به مقام و منزلت زن احترام قایل است و ثابت می‌شود که این روایت که عمر 2 فرموده است: «از زنان مشوره بگیرید اما بر خلاف مشوره آنها عمل کنید» واقعیت ندارد، زیرا هرگز عمر 2 با روش پیامبر» و آیه قرآن که می‌فرماید: (و امرهم شوری بینهم) مخالفت نمی‌ورزد.

{ P - شوری: P 38 }

احکام اسلام برای مرد و زن

مسلمان چه مرد یا زن، وقتی ادعای پرستش و محبت خداوند را دارد و از اظهار ایمان به یگانگی پروردگار و تشریف به دین اسلام و رسالت پیامبر» احساس خشنودی می‌کند و به خدا و اسلام و محمد « افتخار می‌نماید، باید اعتماد کامل به تعالیم اسلامی داشته باشد زیرا تعالیم اسلام از جانب خداوند برای خوشبختی و سعادت انسانها (زنان و مردان) در دنیا و آخرت آمده‌اند.

خداوند متعال فرموده است:

(انما كان قول المؤمنين اذا دعوا الى الله ورسوله ليحكم بينهم ان يقولوا سمعنا و اطعنا و اولئك هم المفلحون)

{ P - نور: P 51 } «مؤمنان هنگامی كه به سوى خدا و پیغمبرش فرا خوانده شوند تا میان آنان داوری کند، سخنان تنها این است كه می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و رستگاران واقعی ایشانند.»

بنابراین زن مسلمان باید به تعالیم اسلام كه عزت و كرامت را برای او به ارمغان آورده است، اعتماد و یقین كامل داشته باشد و باور داشته باشد كه تعالیم اسلامی در تمام زمینه های حقوق انسانی و اجتماعی، میان زن و مرد به عدالت و انصاف حكم نموده و طبق

فطرت و طبیعت زن که خداوند آن را بهتر می دانسته، مسیر او را در زندگی مشخص کرده است:

(الا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير)

{ P - الملك: P 14 } «مگر کسی که می آفریند نمی داند و حال این که او دقیق و باریک بین بس آگاهی است؟!»

و خداوند در آیه 33 سوره احزاب موضع و جایگاه زن مسلمان را نسبت به دین چنین بیان داشته است:

(و ما كان لمؤمن و لا مؤمنة اذا قضى الله و رسوله امرا ان يكون لهم الخيرة من امرهم و من يعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلّالا مبينا)

{ P - احزاب P 33 } «هیچ مرد و زن مؤمنی، در کاری که خدا و پیغمبرش داوری کرده باشند اختیاری از خود در

آن ندارند و هر کس هم از دستور خدا سرپیچی کند گرفتار گمراهی کاملا آشکاری می گردد.»

و خداوند کسانی را که با دستور خدا و پیامبرش مخالفت می کند از عذاب خود ترسانده و به آن تهدید نموده است:

(فليحذر الذين يخالفون عن امره ان تصيبهم فتنة او يصيبهم عذاب اليم)

{ P - نور P 63 } «آنان که با فرمان او مخالفت می کنند باید از این بترسند که بلائی گریبانگیرشان گردد یا

اینکه عذاب دردناکی دچارشان شود.»

وصیت يك زن به دخترش هنگام عروسی

زنی دخترش را به نکاح پادشاه حارث بن عمرو کندی در آورده بود و اکنون به دخترش که راهی خانه بخت بود چنین وصیت کرد:

«دخترم! اگر پند و اندرز به خاطر ادب یا نسب ترک داده می شد من تو را به چیزی سفارش نمی کردم، اما پند و سفارش برای انسان عاقل تذکری و برای نادان بیداری است.»

دخترم! اگر دختری به خاطر ثروت پدرش از ازدواج و اختیار نمودن شوهر بی نیاز می بود، من از همه بی نیازتر بودم، اما ما زنها برای مردان آفریده شده ایم همچنانکه مردان برای ما آفریده شده اند.

دخترم! تو از وطن و سرزمین خود جدا می شوی و از خانه و کاشانه ای که در آن می زیسته ای بیرون رفته و وارد لانه ای می شوی که با آن آشنایی نداری و با هم نشینی زندگی خواهی کرد که به آن انس نگرفته ای، او (شوهرت) وقتی همسر تو شده گویا پادشاه توست، و تو کنیز او هستی، اگر چنین کنی آنگاه او برده و غلامت خواهد شد و همواره این ده خصلت را بیاد داشته باش که ذخیره بزرگی برایت خواهند بود.

- 1) قناعت داشته باش که راحتی قلب و آرامش خیال در قناعت است.
 - 2) حرفهای شوهرت را به خوبی گوش کن و از او اطاعت کن، زیرا خشنودی پروردگار در همین است.
 - 3) همواره مواظب باش او تو را در زشتی نبیند بلکه تو را همواره زیبا ببیند و مبادا بوی بدی از تو به مشام شوهرت برسد.
 - 4) سرمه و آب از یادت نرود که سرمه بهترین چیز و آب بهترین و پاکیزه‌ترین خوشبویی است.
 - 5) غذای شوهرت را سر وقت بده چون آتش گر سنگی زود شعله می‌کشد.
 - 6) در هنگامی که شوهرت خواب است سعی کن که در خانه آرامش باشد، زیرا مزاحمت در خواب کسی خشم او را بر می‌انگیزد.
 - 7) خانه و اموال شوهرت را حفاظت کن، زیرا حفظ مال نوعی خوش بختی است.
 - 8) به دام‌ها و فرزندان شوهرت رسیدگی کن، زیرا رسیدگی به اینها نوعی هوشیاری و زرنگی است.
 - 9) راز شوهرت را فاش مکن زیرا اگر رازش را فاش کنی از خیانتش در امان نخواهی بود.
 - 10) نافرمانی شوهرت را مکن، زیرا اگر از دستورش سرپیچی کنی از تو متنفر می‌شود. و هر چه تو بیشتر احترام کنی او نیز بیشتر به تو احترام قایل می‌شود. و هر چه که تو بیشتر توافق داشته باشی او نسبت به تو مهربان‌تر می‌شود.
- بدان که هیچگاه موفق نمی‌شوی تا خواسته شوهرت را بر خواسته خود ترجیح ندهی و خشنودی او را بر خشنودی خود ترجیح ندهی.»

شرط ولی برای نکاح

- اسلام برای اکرام زن و برای آنکه آینده اش خوب شود موافقت ولی زن را در امر ازدواج شرط قرار داده است، زیرا ولی مصلحت زن را بهتر می‌داند.
- خداوند متعال فرموده است: (و انکحوا الایامی منکم) «مردان و { P - نور: 33 } زنان مجرد خود را به ازدواج یکدیگر در آورید.»
- 2- خداوند از قول پدر آن دو دختر که موسی بر سر چاه دیده بود می‌گوید: (انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین)
- { P - قصص: 27 } «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو در آورم.»

در این دو آیه، خداوند مردان را مورد خطاب قرار داده است و اگر خطاب الهی بطرف زنان می بود حتما تصریح می‌شد، زیرا خداوند متعال فرموده است: (الرجال قوامون على النساء) «مردان بر زنان سرپرستند.» { P - نساء : 34 } و پیامبر « فرموده است: «لا نکاح الا بولی و السلطان ولی من لا ولی له» «نکاح بدون اجازه و سرپرست صحیح نیست و هر کسی که سرپرستی { P - صحیح رواه احمد } نداشته باشد پادشاه و حاکم سرپرست او شمرده می‌شوند.»

و فرموده: «لا نکاح الا بولی و شاهدی عدل» «نکاح بدون اجازه ولی و حضور دو گواه عادل درست نیست.» (آلبانی در الارواء این حدیث را صحیح قرار داده است.)

صنعانی می‌گوید: حدیث فوق دلالت می‌کند که نکاح بدون اجازه ولی درست نیست زیرا اصل در نفی، نفی صحت است نه نفی کمال.

{ P - نگاه کنید سبل السلام 117/3 } و پیامبر « فرموده است: «أیما امرأة نکحت بغيرن اذن ولیها، فنکاحها باطل، فنکاحها باطل، فاذا دخل بها وجب المهر بما استحلت من فرجها، و ان اشتجروا فالسلطان ولی من لا ولی لها»

{ P - حاکم و ذهبی آن را صحیح قرار داده اند. P } «هر زنی بدون اجازه سرپرست و ولی خود ازدواج کند نکاحش باطل است، نکاحش باطل است، و اگر شوهرش با او همبستری کرد پرداخت مهریه اش بر او واجب می شود. و اگر در این مورد اختلاف کردند پادشاه ولی کسی است که ولی ندارد.»

و فرموده است: «لا تزوج المرأة المرأة و لا تزوج المرأة نفسها فان الزانية هی اللتی تزوج نفسها» { P - حافظ در بلوغ المرام گفته است: راویان آن ثقه هستند و آلبانی جمله اول را صحیح قرار داده است و جمله دوم را موقوف بر ابوهریره دانسته است. P } «زن نمی‌تواند زنی را به عقد کسی در آورد و نیز زن نمی‌تواند بدون اجازه ولی خود، خودش را به عقد کسی در بیاورد زیرا زن زناکار کسی است که خودش را به عقد کسی در می‌آورد.»

وقتی پیامبر « موافقت ولی زن را برای ازدواج زن شرط قرار داده است، اهداف بزرگ و فواید زیادی را در نظر گرفته است که به مصلحت زن می‌باشند:

شیخ ولی الله دهولی؛ در حجة البالغة گفته است: «شرط قرار دادن ولی در نکاح زنان اهمیت به آنان است، و ازدواج خودسرانه زنان کار بدی است که منشاء

کعبود حياء و نيز تعدی بر اولياء و عدم توجه و اهمیت دادن به آنان است. همچنین باید نکاح با زنا فرق داشته باشد که فرق آن با آشکار نمودن و اعلان کردن آن است که باید اولياء زن این کار را نکنند.»
به نظر من این حدیث پیامبر « مطالب فوق را تایید می‌نماید: «فصل ما بین الحرام ضرب الدفء و الصوت فی النکاح»

{ P - صحیح رواه احمد P } «فرق زناشویی نامشروع و زناشویی حلال این است که در ازدواج اسلامی خواندن و زدن دف است.»

این حدیث می‌گوید که فرق حلال که ازدواج شرعی است با حرام که زنا می‌باشد زدن دف توسط دختران کوچک برای اعلام نکاح است و همچنین سرود سالم که دختران می‌خوانند. و از آنجا که زن در جامعه از تجربه کمتری برخوردار است و حالات مردان و امور پوشیده آنان را نمی‌داند، اگر خودسرانه اقدام به ازدواج کند از خطر فریب خوردن در امان نخواهد بود، زیرا زن به آسانی به ظاهرای فریبنده و براق فریب می‌خورد، بدون اینکه به سر انجام کار فکر کند، بنا بر این، اجازه ولی برای نکاح شرط قرار داده شده است چون مردان دارای نظری وسیع‌تر و آگاهی بیشتری هستند و تصمیم آنها بر اساس واقعیت استوار است و نه بر اساس احساسات و عواطف.

چگونه می‌توان گفت ولی در ازدواج نقشی نباید داشته باشد و اجازه او شرط نیست در صورتی که زن چه بخواهد و چه نخواهد در صورت اختلاف با شوهر نیاز به پادر میانی ولی دارد چنانکه در صورت از هم پاشی زندگی زناشویی آثار آن نیز بر ولی مترتب خواهد شد.

{ P - نگاه کنید کتاب المرأة بین تکریم الاسلام و اهانة الجاهلية P }

وظیفه ولی نسبت به زن

پیامبر « فرموده است: «اذا اتاکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، الا تفعلوه تکن فتنة فی الارض و فساد کبیر»

{ P - حسن رواه الترمذی P } «هر گاه کسی پیش شما برای خواستگاری دخترتان آمد که اخلاق و دینداری او مورد پسندتان بود، دخترتان را به ازدواج او در بیاورید و اگر چنین نکنید زمین را فتنه و فساد بزرگی خواهد گرفت.»

1- ولی زن، باید از خداوند بترسد و او را به ازدواج شوهری صالح در بیاورد و نباید زن را به ازدواج فردی بد اخلاق و کسی که در دینش ضعیف است در

بیاورد یکی از بزرگان فرموده است: هر کسی دختر یا خواهر یا برادرزاده اش را به عقد و ازدواج فردی فاسق در بیاورد گویا خویشاوندی او را قطع نموده است.

و مردی به حضرت امام حسن 2 گفت: افراد زیادی به خواستگاری دخترم آمده اند، دخترم را به ازدواج کدام يك از آنها در بیاوردم؟

حسن 2 فرمود: به کسی که بیشتر از خدا بترسد، زیرا چنین فردی اگر دختری را بپسندد او را مورد نوازش قرار می‌دهد و اگر دختری مورد پسندش نباشد بر او ظلم نخواهد کرد.

2- شیخ الاسلام ابن تیمیه؛ گفته است: اگر دختر، مردی را پسندید که در سطح او بود بر ولیش که پدر یا برادر یا عمویش باشد واجب است که دختر را به نکاح همان مرد در بیاورد، اگر ولی از ازدواج دادن او سر باز بزند، ولی دیگری که نسب دورتری با زن دارد اقدام به این کار کند. و یا اینکه حاکم این کار را بکند و همه علماء بر این کار اتفاق نظر دارند. بنا بر این ولی نمی‌تواند زن را مجبور به ازدواج با کسی بکند که مورد پسند زن نباشد و نیز به اتفاق علماء ولی نمی‌تواند مانع ازدواج زن با کسی باشد که مورد پسند زن و هم‌کفو اوست.

زیرا فقط اهل جاهلیت و ظالمان، زنان تحت تکفل خود را طبق اغراض و اهداف مشخص خود، بدون اینکه مصلحت زن را در نظر بگیرند به ازدواج با افرادی که زنان نمی‌پسندیدند مجبور می‌کردند و آنها را از ازدواج با افرادی که از نظر شخصیتی با زن برابر و مورد پسند او بود باز می‌داشتند و این عمل را خدا و پیامبرش حرام قرار داده و مسلمین به نامشروع بودن این کار اتفاق نظر دارند.

خداوند بر اولیای زنان واجب گردانیده تا در امر ازدواج به مصلحت زنان بیاندیشند نه به مصالح خود؛ زیرا زن امانتی است در دست ولی خود که خداوند در مورد امانت فرموده است:

{ P - ن ك مجموعه فتاوی امام ابن تیمیه ج 32/39-52 P }
(ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها، و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل)

{ P - نساء 58 P } «بی‌گمان خداوند به شما دستور می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید دادگرانه داوری کنید.»

حتی اگر فردی از دیدگاه مسلمانان، صالح و نیکو باشد می‌توان به او پیشنهاد کرد که با دخترش یا خواهرش ازدواج کند همانگونه که حضرت عمر بن الخطاب 2

به حضرت عثمان 2 پیشنهاد کرد تا با دخترش حفصه رضی الله عنها ازدواج نماید، سپس به حضرت ابوبکر 2 پیشنهاد کرد تا اینکه پیامبر « حفصه را خواستگاری نمود و با او ازدواج کرد.

4- همچنین جایز است که زن به مرد صالح و نیکو کار پیشنهاد ازدواج بدهد به ویژه اگر زن ولی و سرپرستی نداشته باشد، خدیجه بنت خویلد قبل از بعثت به پیامبر « پیشنهاد ازدواج داد و او بهترین همسری بود که پیامبر » را پناه داد و با جان و مالش به او کمک نمود و هیچ کس این کار خدیجه را عیب نگرفت، در صورتی که بزرگان و اشراف قریش قبلا به خواستگاری او آمده بودند و او همه را رد نموده بود.

خنساء این شیرزن مسلمان

خنساء برادرش صخر را در دوران جاهلیت از دست داد، او به علت از دست دادن برادرش بشدت غمگین شد و در مورد فقدان برادرش شعر می سرایید اما بعد از سپری شدن عصر جاهلیت و ظهور اسلام، خنساء، اسلام را پذیرفت و خداوند به او چهار فرزند داد، فرزندان او وقتی میخواستند برای جهاد قادسیه بیرون بروند آن زن فرزندان را چنین وصیت نمود: فرزندانم شما به میل خود مسلمان شده اید و با اختیار خود هجرت کردید، سوگند به خداوندی که معبودی جز او نیست، شما فرزندان یک مرد هستید همچنانکه فرزند یک مادر هستید، من دا مان شرافت شما را لکه دار ننموده و نسبتان را تغییر نداده ام و بدانید که سرای آخرت از دنیای فانی بهتر است: صبر کنید و همدیگر را به صبر سفارش کنید، و از خدا بترسید تا پیروز شوید وقتی دیدید که جنگ به شدت شروع شد و آتش آن مشتعل گردید وارد معرکه شوید و به مرکز جنگ و مبارزه حضور بهم رسانید با بدست آوردن غنیمت و کرامت در سرای همیشگی و نعمت بهشت بهره مند خواهید شد و هنگامی که جنگ چون شیر گرانی دندانهایش را نمایان کرد بر آن حمله ور شوید و با دشمنان بجنگید، چنانکه آنها طبق وصیت مادر وارد معرکه شده یکی پس از دیگری کش ته شدند و هنگامی که به مادرشان، (خنساء) خبر شهادت فرزندان را رسانیدند گفت: سپاس خداوندی را که با شهادت فرزندانم مرا شرافت و افتخار داد و از خداوند امیدوارم که من و آنها را در بهشت بهم برساند. و چیزی بیش از این نگفت.

{ P - ن ك الاصابه و الاستيعاب P } ببینیم رفتار خنساء قبل از اسلام و بعد از اسلام چقدر فرق کرده است، و اسلام زن را چقدر مورد تکریم قرار داده است.

زن در سرزمین‌های کفر

اگر نگاهی به وضع زن در سرزمین‌هایی که به گمان خود پیشرفته و متمدن هستند بیافکنیم می‌بینیم، وضعیت زنان بسیار اسف‌بار و بحران‌ی است، توهین و ذلت، فساد و بی‌بند و باری، سنگدلی و استفاده بیرحمانه از زنان که به فجیع‌ترین وضع از وجود آنها برای تامین اهداف خود استفاده می‌کنند و این امر را فقط افرادی می‌پذیرند، که از سلامت فطرت برخوردار نیستند و سرشت و خوی آنها فاسد و زشت گردیده است.

تا سال 1805 م قانونی در انگلیس به مرد اجازه می‌داد تا زنش را به فروش برساند!!!

مجله حضارة الاسلام سال دوم ص 1078 نوشته است: «در سال گذشته مرد ایتالیایی زنش را به صورت قسطی فروخت و هنگامی که مشتری از پرداخت اقساط سر باز زد فروشنده و شوهر اولی زن، خریدار را به قتل رساند. استاد محمد رشید رضا؛ می‌گوید: عجیب‌ترین چیزی که بعضی از روزنامه‌های انگلیسی آن را نوشته‌اند این است که به گفته بعضی از روزنامه‌ها هنوز در مناطق روستایی انگلیس افرادی یافت می‌شوند که زنانشان را به قیمت خیلی ارزان مثلا 30 شلینگ می‌فروشند و بعضی از روزنامه‌ها اسامی این افراد را نوشته بودند.

4- اما در آمریکا که خود را در رأس جهان متمدن غرب می‌داند زنان به بحران و انحطاط اخلاقی و اجتماعی گرفتارند و خانواده‌ها خیلی زود از هم فرو می‌پاشند. دکتر مصطفی سباعی می‌گوید: وضع اجتماعی طوری شده که وقتی دختر به سن هیجده سالگی می‌رسد بیرحمانه او را از خانه بیرون می‌کنند تا برای بدست آوردن لقمه ای نان تلاش کند. و اگر مقررات طوری باشند که دختر مجبور باشد بعد از سن هیجده سالگی در خانه مادر و پدرش بماند نه تنها باید کرایه اتاق و پول غذا و هزینه شستن لباس خود را بپردازد بلکه مبلغ مشخصی را جهت تماس‌های تلفنی خود به مادر و پدرش می‌پردازد.

{ P - ن ك المرأة بين الفقه القانون ص 300 P } و تاکنون نیز در تمام سرزمین‌های کفر این رسم وجود دارد فرزند من که در فرانسه مقیم است به من گفته است که تاکنون چنین است.

5- شیوع روسپیگری و انتشار زنا و لواطت و کثرت بچه‌های بی سرپرست و بالا رفتن آمارهای طلاق و جدایی، بوجود آمدن بیماری‌های تناسلی و هلاکت بار بویژه بیماری ایدز که تا کنون علاجی برای آن پیدا نشده است، از جمله ارمغانهای تمدن غرب بحساب می‌آیند.

بلکه زن غربی به حدی از بی بند و باری و فساد اخلاقی و ذلت رسیده که هیچ عاقلی نمی تواند تصور بکند.

دکتر نور الدین عتر می‌گوید: یکی از دوستانم که درس تخصص خود را در آمریکا به پایان رسانده بود به من گفت: در میان آمریکایی‌ها، اقوامی هستند که زنان خود را با یکدیگر عوض کنند و زن هر یک نزد مرد دیگر تا مدت معینی باقی می‌ماند بعد از اینکه مدت تمام شود، امانت خود را باز می‌گیرد.

{ P - ن ك به كتاب ماذا عن المرأة ص 15-16 P } فردی که از فرانسه آمده بود از عاریه دادن زنان در آنجا نیز سخن می‌گفت.

از اینرو زن مسلمان باید بداند که او از احترام زیادی برخوردار است و نباید فریب تمدن منحرف و شعارهای برابری زن و مرد را بخورد، زیرا تمدنی که دم از برابری زن و مرد می‌زند در واقع می‌خواهد انسان از زن عروسی متحرک یا حیوانی عریان بسازد.

دختر جوان آمریکایی که تازه مسلمان شده است اسلام تنها راه نجات و رهایی بشریت است. «لیامیلا» دختر بیست و هشت ساله آمریکائی و دانشجوی جامعه‌شناسی در دانشگاه نیووری کلمبیا که مسلمان شده و اسمش را از لیامیلا به هاجر تغییر داده است، می‌گوید:

«دو سال پیش من با جدیت تمام به بررسی دقیق و عمیق اسلام پرداختم و به دنبال حقیقتی می‌گشتم که در فرهنگ مادی گرای آمریکا آنرا نمی‌یافتم.» بعد از دو سال بررسی و پژوهش، لیامیلا اعلام کرد که مسلمان شده و اسمش را به هاجر تغییر داده است. در این مورد می‌گوید: کلمه «هاجر» به اسلام ارتباط دارد من هاجر را دوست دارم.

هاجر می‌گوید: از دیرباز سؤالاتی در مورد جهان هستی و زندگی در ذهنم دور می‌زد و پژوهش و تفکر برای پاسخ این پرسشهای فلسفی مرا خسته کرده بود، اما در میان فرهنگ مادی گرای آمریکا، پاسخ واضح و قانع کننده ای برای این پرسشها نمی‌یافتم، از اسلام می‌شنیدم اما تصور من از اسلام پیچیده و نادرست بود، شنیدم كه ه اسلام میان مرد و زن فرق می‌گذارد، اسلام دین سختی و سنگدلی است و از حقیقت آن چیزی نمی‌دانستم تا اینکه صفای اسلام و معنویت دین اسلام را حس نموده و شروع به بررسی و پژوهش در اسلام نمودم.

تحقیق در این مورد ابتدا بسیار مشکل بود چون کتابهای مورد اعتمادی در مورد اسلام به زبان انگلیسی

وجود نداشت، اما احساس می‌کردم که اسلام را دوست دارم زیرا دین عدل و انصاف است و به فرد، آزادی می‌دهد و مسئولیتهای او را بدو محول می‌نماید و همچنان به مرور زمان فهم و درک من از اسلام بیشتر می‌شد تا اینکه خداوند مرا به دین اسلام هدایت نمود.

هاجر به اسلام دعوت می‌دهد از زمانی که هاجر اسلام آورده همواره با جدیت و نشاط برای نشر اسلام فعالیت می‌کند او می‌داند که رسالتش قدم برداشتن در راه شناسائی اسلام به ملتش می‌باشد که نسبت به حقیقت اسلام ناآگاه مانده اند، زیرا دشمنان کینه‌توز اسلام چهره‌ای غیر واقعی از اسلام ترسیم نموده‌اند که به سبب آن جامعه آمریکایی از درک حقیقت اسلام ناآگاه مانده است.

اسلام در زندگی هاجر را تغییر چشم‌گیری پدید آورد، او قبلاً همچون سائر دختران آمریکایی زندگی را با بی‌بندی و باری و بدون هدف سپری می‌کرد، اکنون دیگر او به مبادی و اصول اسلام پایبند و ملتزم است، چنانکه می‌گوید: بالاترین هدف من این است که در راه اسلام جهاد کنم، و با نظام سرمایه‌داری و طغیان و شر مبارزه نمایم، زیرا من به این نتیجه رسیده‌ام که اسلام تنها راه نجات انسانیت از خطر جنگها و گرسنگی‌ها و نابودی است. و هنگامی که از هاجر پرسیده شد که چرا اسلام تنها راه نجات انسانیت است؟ گفت: اسلام تنها دینی است که راه حل‌های مناسبی برای مشکلات اجتماعی و سیاسی معاصر ارائه می‌دهد، اسلام نظامی فراگیر است که مطالبات روح و نیازهای جسد را بدون اینکه در هیچ کدام خللی ایجاد شود همزمان برآورده می‌کند من پاسخ قانع‌کننده‌ای برای سوالات ذهنی و فلسفی خود که خواب را از چشمانم ربوده بود دین اسلام را یافتم.

هاجر وقتی که از اسلام صحبت می‌کند سخنش را درک می‌نماید و احساس می‌کند که حقیقت را می‌گوید و گاهی عبارات اسلام را به زبان عربی بر زبان می‌آورد، اما به هر حال او خوب می‌داند که اسلام نظامی همه‌جانبه و فراگیر برای زندگی است و تنها دین عبادت نیست که با بقیه ابعاد زندگی کاری نداشته باشد.

جهاد از دیدگاه هاجر مهم‌ترین اصل اسلامی است و مهم‌ترین چیزی است که مسلمین در عصر حاضر بدان نیازمند هستند و از زمانی که هاجر مسلمان شده روش زندگی خود را تغییر داده است، اکنون لباس اسلامی می‌پوشد و نمازهای پنجگانه را سر وقت بجا می‌آورد او تلاشهای فراوانی برای حفظ آیات قرآنی نموده است تا بتواند نمازش را بهتر بخواند طبیعی است که او با

مشکلات فراوانی از طرف دوستان و خانواده اش مواجه شده است، اما هاجر مسلمان می گوید: تحمل مشکلات در راه عقیده ام برایم لذت بخش است و شایسته است تمام زنان و مردان مسلمان چنین باشند و در تاریخ گذشته اسلام مردان و زنان زیادی در راه اسلام شکنجه شده اند، اما آنها از دینشان برنگشته اند و برای من، اسلام از همه چیز مهمتر است.

فعالیت‌های هاجر فقط در امور دینی خلاصه و منحصر نیست، بلکه او یک فعال سیاسی هم است و به حقوق ملت مسلمان فلسطینی باور دارد، بنابراین او در مورد ظلمی که بر ملت فلسطین اعمال شده سخنرانی می‌نماید. در حقیقت، هاجر پدید ه‌ای بی نظیر است: دختر جوان آمریکایی سفید پوست، به دعوتگری مسلمان تبدیل شده است که از قضایای ملت اسلام در جامعه ای دفاع می‌کند که آن جامعه حاضر به شنیدن این چنین مطالبی نیست، اما هاجر خسته نمی شود و همچنان ادامه می دهد. پیام او به همه ملل اسلامی بویژه ملت عرب این است که: شما روزی مشعل راه بشریت بودید پس در برابر اسرائیل و هم پیمانانش که سرزمین مقدستان را غصب نموده و با شما می‌جنگند ضعیف و ناتوان نباشید.

خلیفه زن ناتوان را نجات می‌دهد

هنگامی که پادشاه روم وارد سرزمینهای اسلامی شد، مردان را شهید و زنان و کودکان را اسیر کرد، و مسلمانانی که زنده به دست او می افتادند چشمهایشان را در می‌آورد و گوش و بینی آنها را می‌برید. به معتمم خلیفه وقت مسلمین خبر رسید که، زنی هاشمی به دست رومی ها اسیر شده، فریاد زده است: «وامعتمماه»، معتمم به دادم برس. وقتی این جریان را برای معتمم بازگو کردند بلافاصله از تختش بلند شد و فریاد زن را جواب داد که «لبیک، لبیک» و بلافاصله برخاست و در قصرش فریاد زد: که حرکت کنید، سپس بر مرکب خود سوار شد، سبدی به همراه داشت که در آن توشه راه خود را گذاشته بود، عبدالرحمن بن اسحاق قاضی بغداد و ش‌عبه بن سهل را با 328 نفر مرد عادل فرا خواند و آنها را گواه گرفت که او تمام دارایی خود را سه قسمت می‌نماید یک سوم، مال فرزندانش خواهد بود و یک سوم در راه خدا وقف می باشد و یک سوم از غلامانش خواهد بود، سپس همراه گروهی از فرماندهان جنگی حرکت کرد و در قسمت مغرب‌بی رود دجله اردو زد، نهایتاً پس از مدتی جنگ و مبارزه با رومیان، بر آنها پیروز گشت و روم را شکست داد.

{ P - ن ك الكامل لابن الاثير P 247/5 } از این داستان می‌توان به اهمیت مقام زن و بزرگداشت آن در اسلام پی برد می‌بینیم که خلیفه معتصم همراه ارتش خود برای نجات زنی که دست رومی‌ها اسیر شده و فریاد برآورده که او را کمک کنند حرکت می‌کند و ندای آن زن را لبیک می‌گوید و برای رهای اش خودش و لشکریانش برای جنگ با کفار آماده می‌شوند تا اینکه می‌جنگد و زن مظلوم را کمک می‌نماید، که این خود بیانگر غیرت مسلمین و دفاع آنها از زنان است.

اهمیت تربیت زنان

من لی بتربیة النساء فانها
فی الشرق علة ذلك الاخفاق.
آیا کسی پیدا می‌شود که زنان را بخوبی تربیت نماید،
زیرا تربیت نادرست زنان، علت عدم موفقیت در شرق
است.

الام مدرسة اذا اعدتها
اعدت شعبا طيب الاعراق
مادر مدرسه ای است که اگر آن را آماده کردی گویا
نسل پاک نهادی ساخته و آماده نمودی.
الام روض ان تعهده الحيا
بالرى اوراق ايما ايراق
مادر باغی است که اگر او را باران حياء سیراب کند
بسیار خوب شکوفه خواهد کرد.
الام استاذ الاستاذة الاولى
شغلت مآثرهم مری الافاق
مادر اولین استادی است که کارهای نیکویشان جهان را
در بر گرفته است.

انا لا اقول دعوا النساء موافرا
بين الرجال يجلس فى الاسواق
من نمی‌گویم زنان را بی حجاب رها کنید تا در میان
مردان در بازارها بنشینند.
يدرجن حيث اردن لامن وازع
يحذرن رقبتة ولامن واقى
یا اینکه هر جا که دلشان می خواهد بروند، بدون
اینکه مراقبی داشته باشند و یا از کسی هراسی داشته
باشند.

يفعلن افعال الرجال لواهيا
عن واجبات نواعس الاحداة
و با غفلت کارهای مردان را انجام بدهند و از وظیفه
خود چشم پيوشند.
فی دورهن شئونهن كثيرة
کشون رب السيف و المزارق

زنان در خانه هایشان کارهای زیادی دارند که همانند
کارهای صاحب شمشیر و فرمانده جنگی مهم است.
کلا و لا ادعوکم ان تسرفوا
فی الحجب والتضییق و الارهاق
نه هرگز از شما نمی خواهیم که در حجاب زیاده روی
کنید و بیش از حد بر زنان ظلم نموده و سخت گیری
کنید.
تشکل الازمان فی ادوارها
- دولا و هن علی الجمود بواقی
ادوار زمانه همچنان می گذرد اما باز هم آنها همچنان
بر جمود باقی مانده اند.
فتوسطوا فی الحالین و انصفوا
فالشر فی التقیید و الاطلاق
از میان دو راه، راه میانه را برگزینید و انصاف
کنید زیرا شر، در سخت گیری بیش از حد و رها کردن بیش
از حد است.
ربوا البنات علی الفضیلة انها
فی الموقفین لهن خیر وثاق
دختران را بر خوبی تربیت کنید که برایشان بهترین
چیز است.
و علیکم ان تستبین بناتکم
نور الهدی و علی الحیا الباقی
و باید دخترانتان از نور هدایت بهره مند شوند و بر
حیای خویش باقی بمانند.